



یادداشت‌برداری شما در جلسات **تدریس و تکمیل** کننده این منبع آموزشی است.

## راهکارهاک مطالعاتی و تست‌زنی عربی کنکور:

۱. تمام متن کتاب درسی عربی را بخوانید، ترجمه کنید و واژگان مهم و دشوار آن را یادداشت کنید. در کنکورهای برگزیده نظام جدید، جملات بسیاری از کتاب درسی عیناً و دقیقاً استفاده شدند.

**این تجربه و شناخت من است:** دانش‌آموزان متوسط تصور می‌کنند کتاب‌های درسی برای خوانده نشدن نوشته شده‌اند! و دانش‌آموزان قوی هم می‌گویند کتاب درسی که چیزی ندارد؛ در حالی که یک بار هم آن را نخوانده‌اند. در این بین تنها دانش‌آموزان باهوش و بسیار قوی هستند که با وسواس و دقت تمام زوایای پنهان کتاب درسی را جستجو می‌کنند.

۲. اگر برنامه‌ریزی درسی فشرده دارید، این کار را به صورت میان‌مدت و هر روز در حجم کمی از مطالب اجرا کنید.

۳. در کتاب عربی، واژگان سهم زیادی دارند؛ اما واژه را باید در درون جملات یاد بگیرید و به خاطر بسپارید.

۴. آنچه از قواعد خواهید آموخت، کاملاً در خدمت ترجمه باشد؛ پس قواعد و ترجمه را از یکدیگر جدا نبینید و ندانید!

۵. پیش‌مطالعه (هرچند به طور سطحی) قبل از حضور در کلاس، تأثیر زیادی در یادگیری شما خواهد داشت.

۶. روش یادگیری عربی، مانند درس‌های فرمولی-محاسباتی است؛ یعنی مثل ریاضیک‌بار بخوانید، قواعد و فرمول‌ها را حفظ کنید، یاد بگیرید و صدها بار تمرین کنید.

۶. راز موفقیت در درس عربی، انجام تمرین نامحدود است. تمرین مداوم در حجم کم را ترجیح بدهید به تمرینات زیاد و مقطعی!

۷. مطالب مربوط به درس اول پایه دهم (مرور قواعد هفتم تا نهم) را تا آخرین جلسه یادگیری و در تمام تست‌هایی که می‌زنید، نیاز دارید؛ یعنی هرچقدر بر آن مسلط باشید، درس‌های دیگر را ساده‌تر می‌فهمید.

دیگر اینکه:

این منبع برای یادگیری داوطلبان کنکور است؛ به هر صورت که امکان بازنشر و انتشار آنرا دارید، لطفاً دریغ نکنید.

موفق باشید و بمانید؛ رستم‌جو

## مشاوره درسی ویژه عربی کنکور رشته تجربی و ریاضی نظام جدید

قبل از اینکه هر نوع تهدیدی برای درس عربی در کنکور ۱۴۰۱ خود مشخص کنید که مثلاً می‌خواهم ۱۰۰٪ بزنم، یا اگر بخاطر ترس و ناچار از زیرگروهی که علاقه به انتخاب رشته در آن دارید، عربی را برای درصد پایینی می‌خوانید، یا کلاً در هر سطح و تصویری که از عربی هستید، بهتر است چند جدول آماری زیر را ببینید:

عملکرد داوطلبان رشته تجربی در کنکور ۹۹ درس عربی::

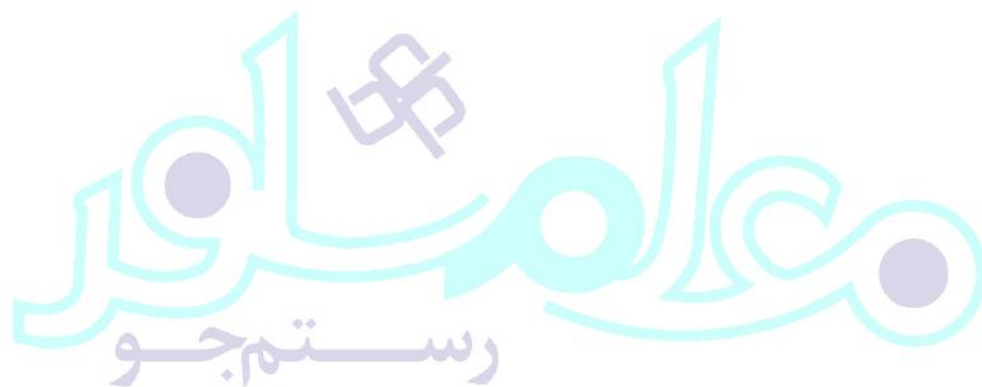
ویژه کنکور ریاضی و تجربی ۱۴۰۲ مولف: رستم‌جو

عربی		محدوده درصدهای داوطلبان
میانگین نمره درس	تعداد	
-33.3	17	از ۳/۳۳ تا ۱/۳۰ -
-23.4	375	از ۳۰ تا ۱/۲۰ -
-13.3	4601	از ۲۰ تا ۱/۱۰ -
-3.6	35544	از ۱۰ تا ۱/۰ -
0/0	26288	صفر یا سفید
5.6	95533	از ۱/۰ تا ۹/۹
14.6	98734	از ۱۰ تا ۹/۱۹
24.5	89795	از ۲۰ تا ۹/۲۹
34.5	55316	از ۳۰ تا ۹/۳۹
44.3	42930	از ۴۰ تا ۹/۴۹
54.5	25034	از ۵۰ تا ۹/۵۹
64.3	17877	از ۶۰ تا ۹/۶۹
74.3	8810	از ۷۰ تا ۹/۷۹
83.6	4665	از ۸۰ تا ۹/۸۹
92.3	1036	از ۹۰ تا ۹/۹۹
100	174	۱۰۰ درصد
<b>24.7</b>	<b>506729</b>	<b>تعداد کل داوطلبان - میانگین درصد کشوری</b>

بودجه بندی سوالات کنکور ۹۸ و ۹۹ عربی همه رشته‌ها:

ویژه کنکور ریاضی و تجربی ۱۴۰۲ مولف: رستم‌جو

موضوع / رشته	ریاضی ۹۸	ریاضی ۹۹	تجربی ۹۸	تجربی ۹۹	عمومی علوم انسانی ۹۸	عمومی علوم انسانی ۹۹	زبان های خارجی ۹۸	زبان های خارجی ۹۹	هنر ۹۸	هنر ۹۹	اختصاصی علوم انسانی ۹۸	اختصاصی علوم انسانی ۹۹
ترجمه از عربی به فارسی بصورت یک جمله عربی	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۷	۵	۴
ترجمه از عربی به فارسی بصورت چند جمله	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲
ترجمه از فارسی به عربی (تعریب) بصورت یک جمله	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
قرابت معنایی یا معادل یابی شیوهی	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۵	۱	۱
سوالات برگرفته از متن و درک مطلب آن	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	۴	متن نداشت	متن نداشت
نجزیه و ترکیب کلمات منتخب از متن یا جمله / اعراب و تحلیل صرفی	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۳
فیض حروف کلمات یا تشکیل واژگان (شناخت ریشه، معادل یابی و ...)	۲	۳	۳	۳	۱	۱	۳	۷	۲	۲	۱	۱
قواعد بصورت مستقل یا ترکیب با ترجمه	۵	۷	۴	۷	۶	۶	۴	۷	۵	۷	۶	۷
<b>جمع کل</b>	<b>۲۵</b>	<b>۲۵</b>	<b>۲۵</b>	<b>۲۵</b>	<b>۲۵</b>	<b>۲۵</b>	<b>۲۵</b>	<b>۲۵</b>	<b>۲۵</b>	<b>۲۵</b>	<b>۲۰</b>	<b>۲۰</b>
<b>توضیحات</b>	اگر بخواهیم و مجبور به تکنیک باشیم در دو موضوع آخر (واژگان و قواعد) نسبت آنها به این شکل است: 3 تا 1 تست واژگان و 7 تا 5 تست قواعد.											



<div style="display: flex; justify-content: space-between; align-items: center;"> <div style="text-align: center;"> <h3>تیب بندی و بودجه بندی سوالات کنکور 1400</h3> <h4>رشته های ریاضی، تجربی و علوم انسانی</h4> </div> </div>											
رشته ریاضی			رشته تجربی			عمومی انسانی			اختصاصی انسانی		
سوال	شماره درس	موضوع کلیدی	سوال	شماره درس	موضوع کلیدی	سوال	شماره درس	موضوع کلیدی	سوال	شماره درس	موضوع کلیدی
26	۳۰۰۰   ۱	معرفه و نکره	26	۳۰۰۰   ۱	معرفه و نکره	26	۱۰۰۰   ۵ ۱۰۰۰۰   ۴۳	تعداد اسم ثلاثی مزید	166	۱۰۰۰۰	ترکیب در جزئیات
27	۰۰۰۰	ترکیب در جزئیات	27	۳۰۰۰   ۱	معرفه و نکره، معنی واژه ساده	27	۳۰۰۰   ۱	معرفه و نکره، معنی واژه ساده	167	۱۰۰۰   ۵	رابطه اضافی تعداد اسم
28	۱۰۰۰   ۵	زمان فعل	28	۵۰۰۰   ۵	فعل و فاعل	28	۰۰۰۰	ترکیب در جزئیات و واژگان ساده	168	۳۰۰۰   ۱	معرفه و نکره، معنی واژه ساده
29	۱۰۰۰   ۵	زمان فعل	29	۱۰۰۰   ۵	زمان فعل	29	۳/۴۰۰۰   ۵	ثلاثی مزید	169	۲۰۰۰   ۵	اصطلاح در مکالمه درس 2
30	۱۰۰۰   ۵	تعداد اسم، ترکیب وصفی، اضافی	30	۱۰۰۰   ۵	تعداد اسم، ترکیب وصفی، اضافی	30	۳۰۰۰   ۱ ۱۰۰۰   ۵	معرفه و نکره، تعداد اسم، معنی واژه ساده	170	۴۰۰۰   ۲	مفعول مطلق
31	۲۰۰۰   ۱	زمان فعل	31	۶۰۰۰   ۱	معلوم مجهول، فعل و فاعل، لازم و متعدی	31	۲۰۰۰   ۲	جمله حالیه	171	۰۰۰۰	ترکیب در جزئیات
32	۱۰۰۰   ۵	اسم اشاره، زمان فعل	32	۱۰۰۰   ۵	تعداد اسم	32	۳۰۰۰   ۱ ۱۰۰۰   ۵	رابطه اضافی، تعداد اسم، معرفه و نکره	172	۰۰۰۰	ترکیب در جزئیات
33	۰۰۰۰	ترکیب در زمان	33	۶۰۰۰   ۵	معلوم مجهول	33	۰۰۰۰	ترکیب در جزئیات	173	۳۰۰۰   ۱	معرفه و نکره
34	۵۰۰۰   ۵	فعل و فاعل	34	۲۰۰۰   ۱ ۱۰۰۰   ۵	زمان فعل، جمله شرط	34	۲۰۰۰   ۵	عدد و محدود	174	۰۰۰۰	قرابت معنایی و مفهوم
35	۳۰۰۰   ۱	معرفه و نکره	35	۳۰۰۰   ۱ ۳۰۰۰   ۱	معرفه و نکره، ثلاثی مزید مجرد	35	۳/۴۰۰۰   ۱	معرفه و نکره، جمله وصفیه	175	۰۰۰۰	قواعد به شکل های مختلف
36	۰۰۰۰	درک متن	36	۰۰۰۰	درک متن	36	۰۰۰۰	درک متن	176	۰۰۰۰	درک متن
37	۰۰۰۰	درک متن	37	۰۰۰۰	درک متن	37	۰۰۰۰	درک متن	177	۰۰۰۰	درک متن
38	۰۰۰۰	درک متن	38	۰۰۰۰	درک متن	38	۰۰۰۰	درک متن	178	۰۰۰۰	درک متن
39	۰۰۰۰	درک متن	39	۰۰۰۰	درک متن	39	۰۰۰۰	درک متن	179	۶۰۰۰۰   ۱	فعل امر غالب
40	۰۰۰۰	درک متن	40	۰۰۰۰	درک متن	40	۰۰۰۰	درک متن	180	۳۰۰۰   ۱	ادوات شرط
41	۰۰۰۰	درک متن	41	۰۰۰۰	درک متن	41	۰۰۰۰	درک متن	181	۲۰۰۰   ۵	عدد و محدود
42	۰۰۰۰	درک متن	42	۰۰۰۰	درک متن	42	۰۰۰۰	درک متن	182	۰۰۰۰	ترکیب از همه مرفوعات
43	۱۰۰۰   ۵	قواعد علامت تعداد اسم	43	۸۰۰۰   ۵	اسم فاعل	43	۱۰۰۰   ۵	قواعد علامت تعداد اسم	183	۱۰۰۰   ۲	حروف مشبیه بالفعل
44	۱۰۰۰   ۵	معنی واژگان	44	۰۰۰۰	معنی واژگان	44	۰۰۰۰	معنی واژگان و مترادف متضاد	184	۳۰۰۰۰   ۲	حصر و استثناء
45	۲۰۰۰   ۵	ساعت	45	۰۰۰۰	معنی واژگان	45	۱۰۰۰   ۵	تعداد اسم	185	۵۰۰۰   ۲	منادا
46	۱۰۰۰   ۱	اسم تفضیل	46	۱۰۰۰   ۱	اسم تفضیل	46	۳/۴۰۰۰   ۵ ۸۰۰۰   ۵	نون و قایبه، ثلاثی مزید	186	۰۰۰۰	به تشابه و تکرار، مباحث دقت کنید!!! اولین رشته، هر بود، تیب رشته های بعد از هر سیاه‌ساز مشابه رشته هنر طرح شده بود.
47	۶۰۰۰   ۱	فعل امر	47	۷۰۰۰   ۱	زمان ماضی استمراری	47	۸۰۰۰   ۵	نون و قایبه	187	۰۰۰۰	هرگز توصیه به شرکت در چند رشته یا بررسی سوالات قبل از رشته اصلی خودتان نیست. تنها یک تحلیل آماری است!
48	۸۰۰۰   ۵	نون و قایبه	48	۱۰۰۰   ۲	لای نفی جنس	48	۷۰۰۰   ۵	روش تبدیل مجهول	188	۰۰۰۰	هرگز توصیه به شرکت در چند رشته یا بررسی سوالات قبل از رشته اصلی خودتان نیست. تنها یک تحلیل آماری است!
49	۲۰۰۰   ۱	ادوات شرط	49	۴۰۰۰   ۱	انواع ما	49	۴۰۰۰   ۱	جمله وصفیه	189	۰۰۰۰	هرگز توصیه به شرکت در چند رشته یا بررسی سوالات قبل از رشته اصلی خودتان نیست. تنها یک تحلیل آماری است!
50	۴۰۰۰   ۲	مفعول مطلق	50	۳۰۰۰   ۲	حصر و استثناء	50	۵۰۰۰   ۲	منادا	190	۰۰۰۰	هرگز توصیه به شرکت در چند رشته یا بررسی سوالات قبل از رشته اصلی خودتان نیست. تنها یک تحلیل آماری است!

## درس اول: مرور قواعد عربی پایه هفتم، هشتم و نهم

مطالب پیش‌نیاز از کتاب پایه هفتم، هشتم و نهم:

۱. ساختار و انواع کلمات در زبان عربی
۲. روش‌های تشخیص اسم و فعل از همدیگر
۳. تشخیص و ویژگی فعل
۴. بررسی اسم از نظر جنسیت
۵. تقسیم‌بندی اسم از نظر تعداد
۶. اسم اشاره
۷. ضمائر
۸. ساختار و انواع زمان فعل
۹. ساختار فعل امر
۱۰. صفت و مضاف‌الیه
۱۱. نکات مربوط به ترجمه

تمام این موضوعات را تا آخرین لحظه‌ای که با درس عربی سروکار دارید، کاربردی هستند.

### ساختار و انواع کلمات در زبان عربی

زبان عربی مانند هر زبان دیگر القبای خاص خود را دارد. القبا ترکیب حروف است و از ترکیب حروف، کلمات ساخته می‌شود و از قرار گرفتن کلمات کنار همدیگر، جمله ساخته می‌شود.

کلمه در دستور زبان عربی به‌طور کلی دو گروه است:

گروه اول کلماتی‌اند که دارای معنای مستقل هستند و گروه دوم معنای مستقلی ندارند بلکه در جمله معنا پیدا می‌کنند.

گروه اول شامل دو نوع کلمه می‌شود: **اسم و فعل**.

گروه دوم، کلمات بدون معنا یا همان **حروف** هستند.

- تعریف اسم، فعل و حرف

**حروف**، کلمات بدون معنای مستقل هستند و دلالت زمانی نیز ندارند. مانند «از، به، تا» = «من. الی. عند»

اسم به کلمات معنادار مستقلی گفته می‌شود که دلالت زمان در آن وجود ندارد. مانند «دانش‌آموز» «التلمیذ»

فعل به کلمات معنادار مستقلی گفته می‌شود که دارای بُعد زمان هم هستند. مانند «رفت» (ذَهَبَ)

- روش‌های تشخیص اسم و فعل از همدیگر



انواع اسم از نظر تعداد:

۱. اسم مفرد؛ اسمی که نشان‌دهنده یک نفر یا یک شیء باشد. مانند الرجل، القلم
  ۲. اسم مثنی؛ اسمی که نشان‌دهنده دو نفر یا دوشیء باشد. مانند الرجلان، المعلمان.
  ۳. اسم جمع؛ اسمی که نشان‌دهنده بیش از دو نفر یا دوشیء (حداقل ۳ نفر) باشد. مانند المعلمات، المعلمون.
- ❖ نکته ترکیبی: از آنجایی که قبلاً اسم را از نظر جنسیت بررسی و معرفی کردیم، در نتیجه هر یک از این انواع اسم از نظر تعداد، به نوبه خود شامل مؤنث و مذکر می‌شوند.

بنابراین مفرد مؤنث، مفرد مذکر، مثنای مؤنث، مثنای مذکر، جمع مؤنث، جمع مذکر، جمع مؤنث داریم.

- انواع اسم جمع

در تقسیم‌بندی دیگری برای جمع مؤنث و جمع مذکر بر اساس تعداد به دو نوع جمع می‌رسیم: جمع مکسر و جمع سالم.

**جمع مکسر** به جمعی گفته می‌شود که از ریشه اسم، تعدادی حرف کم یا اضافه شده باشد. مانند الأشجار (جمع الشجرة)

**جمع سالم** وجود دارد که حروف اصلی اسم تغییری پیدا نکرده است. مانند الشجرات (جمع سالم مؤنث الشجرة)

❖ **نکته خیلی مهم:** جنسیت اسم جمع مکسر بر مبنای مفرد آن تشخیص داده می‌شود. (الآیات، الأوقات = الوقت. البيت) پس هر دو مذکر هستند.

اسم جمع مکسر در دسته‌بندی دیگری دو نوع است:

اسم جمع مکسر عاقل (بشر) و غیرعاقل (غیربشر)

اگر اسم جمع مکسر برای غیرعاقل باشد، تمام قواعد مربوط به آن، به صورت مفرد مؤنث است. مانند تلك الأشجار به جای اولئك الأشجار

**انواع اسم از نظر تعداد**

- مفرد مذکر: الجبل / مفرد مؤنث: المنضدة
- مثنای مذکر: الكتابان، الكتاتين / مثنای مؤنث: المنضدتان، المنضدتين
- جمع مذکر سالم: المعلمون / جمع مؤنث سالم: الشجرات
- جمع مکسر: الأشجار، العلماء

- روش تشخیص تعداد اسم

تعداد اسم را از روی علامت‌هایی که در انتهای اسم آمده، تشخیص می‌دهیم. محتوای جدول زیر علامت‌های اسم است که باید به حافظه بسپارید:



تعداد	علامت ویژه	مثال	تعداد	علامت	مثال
مفرد مذکر	بدون علامت	القلم	مفرد مؤنث	ة . ی	فاطمة
مثنی مذکر	ان / ین	القلمان . القلمین	مثنی مؤنث	تان / تین	الشجرتان . الشجرتین
جمع مذکر سالم	ون / ین	المعلمون . المعلمین	جمع مؤنث سالم	ات	الشجرات
جمع مکسر	بدون علامت	الأقلام	محتوای این جدول را به خاطر داشته باشید!		

اگر علامت‌های ذکرشده در جدول بالا را از انتهای اسم حذف کردیم و کلمه به هم ریخت و معنایی نداشت، در نتیجه اسم مثنی یا جمع نیست بلکه یا مفرد است یا جمع مکسر. مانند (الشیاطین: جمع مکسر) (البستان: مفرد)

- ❖ نکته مهم درباره جدول بالا: به تفاوت حرکتی بین علامت‌ها دقت کنید.
- ❖ گاهی در علامت مثنی و جمع مذکر (ین . ین) حرکت حرف (ن) گذاشته نمی‌شود. در این شرایط روش تشخیص چنین است:

۱) براساس قرینه جمله: شاهدت المعلمین فی صفوفهم) پس «ین» جمع است)

۲) براساس حرکت حرف سوم ریشه اسم: شاهدت المعلمین (مثنی) المعلمین (جمع). حرکت حرف ماقبل (ین) اگر فتنحه باشد، اسم مثنی است و اگر حرکت ماقبل (ین) کسره باشد، اسم جمع است!

### اسم اشاره

اسم اشاره، اسم‌هایی هستند که برای اشاره کردن استفاده می‌شوند. در این اسم‌ها باید دقت شود آنچه مورد اشاره قرار می‌گیرد دارای چه جنسیت و تعدادی است و متناسب با جنسیت و تعداد آن، از اسم اشاره مناسب استفاده شود. (در این مبحث یکی از کاربردهای جنسیت و اسم را می‌بینید که بدون دانستن آن، اشتباه صورت می‌گیرد) در جدول زیر انواع اسم اشاره متناسب با اسم‌های مختلف را می‌بینید که حتماً با جزئیات آن به خاطر بسپارید:

تعداد	اسم اشاره مناسب	تعداد	اسم اشاره مناسب
مفرد مذکر	ذلک: آن / هذا: این	مفرد مؤنث	تلك: آن / هذه: این
مثنی مذکر	هذان: این دو	مثنی مؤنث	هاتان: این دو
جمع مذکر سالم	هؤلاء: این‌ها / اولئک: آن‌ها	جمع مؤنث سالم	مانند مذکر است
جمع مکسر	توضیحات ادامه جزوه را مطالعه کنید	محتوای این جدول را به خاطر داشته باشید!	

در بخش جمع مکسر گفتیم که اگر برای غیرعاقل باشد، قواعد آن مفرد مؤنث است. بنابراین اسم اشاره برای (الشجرات) (باید) (هذه) (یا) (تلك) باشد!

### ضمایر

ضمیر، اسمی است که جانشین اسم قبل از خود می‌شود. هرگاه بخواهیم از تکرار یک اسم در جمله خودداری کنیم، از ضمیر استفاده می‌شود. مانند: کان محمد صدیقاً لأخی فی المدرسة. هو تلمیذ دوؤب.

این نکته به طور مستقیم در قواعد اسم اشاره کاربرد ندارد. اما در تشخیص تعداد اسم مهم است<sup>۱</sup>

انواع ضمیر و معادل آن را در جدول زیر ببینید و آن را به خاطر بسپارید

ضمیر متصل متناسب آن	معادل عربی در تست و سوالات	شناسه	ضمیر
هـ	الغائب	مفرد مذکر غائب	هو
هما	الغائبین	مثنای مذکر غائب	هما
هما	الغائبین	جمع مذکر غائب	هما
ها	الغائبة	مفرد مؤنث غائب	هي
هما	الغائبتان	مثنای مؤنث غائب	هما
هنّ	الغائبات	جمع مؤنث غائب	هنّ
کَ	المخاطب	مفرد مذکر مخاطب	أنتَ
کما	المخاطبین	مثنای مذکر مخاطب	أنتما
کما	المخاطبین	جمع مذکر مخاطب	أنتم
کِ	المخاطبة	مفرد مؤنث مخاطب	أنتِ
کما	المخاطبتان	مثنای مؤنث مخاطب	أنتما
کنّ	المخاطبات	جمع مؤنث مخاطب	أنتنّ
ی	المتکلم للوحدة	متکلم وحده	أنا
نا	المتکلم مع الغير	متکلم مع الغير	نحن

### بررسی فعل از نظر زمان

تقسیم‌بندی فعل از نظر زمان در کتاب‌های هفتم تا نهم به شکل‌های زیر است:

ماضی، مضارع، مستقبل، ماضی استمراری، ماضی نقلی و بعید و از نظر ساختار به دو صورت منفی و امر گفته شده است.

فعل در هر ساختار یا زمانی که باشد برای شخص یا شناسه بخصوصی ذکر می‌شود (صرف می‌شود) که آن شخص یا شناسه را (صیغه می‌نامیم).

- دسته‌بندی صیغه‌ها در دستور زبان فارسی

در فارسی ۶ شخص یا شناسه داریم که به این صورت است:

اول شخص مفرد: من / دوم شخص مفرد: تو / سوم شخص مفرد: او / اول شخص جمع: ما / دوم شخص جمع: شما / سوم شخص جمع: ایشان.

مشاهده می‌کنید که در اینجا اثری از شخص مثنی دیده نمی‌شود و بر اساس همین تعداد صیغه‌های فارسی کمتر از عربی است. از طرفی دیگر به دلیل نبودن جنسیت در فارسی تعداد صیغه‌ها به چهارده نرسیده است.

- دسته‌بندی صیغه‌ها در دستور زبان عربی

به‌طورکلی ۱۴ صیغه عربی در ۳ دسته‌بندی قرار می‌گیرد: ۱) غایب ۲) مخاطب ۳) متکلم.

متکلم: همان گوینده که دو حالت می‌تواند داشته باشد: متکلم یک نفر که متکلم وحده و متکلم چند نفر که متکلم مع‌الغیر می‌نامیم.

مخاطب: یا همان کسی که با او سخن گفته می‌شود.

غایب: کسی که درباره او سخن گفته می‌شود و حضور

ندارد.

۱۴ صیغه عربی چگونه ساخته می‌شود؟

برای هر کدام از ۳ دسته بندی {غایب، مخاطب و متکلم} تعداد و جنسیت قابل تصور است. (البته برای متکلم، تنها همان دو حالت مذکور را داریم)

بنابراین در حالت غایب ۶ صیغه درست می‌شود: ۳ صیغه مذکر و ۳ صیغه مؤنث.

صیغه‌های مذکر عبارتند از: مفرد مذکر غایب، مثنای مذکر غایب و جمع مذکر غایب.

و صیغه مؤنث: مفرد مؤنث غایب، مثنای مؤنث غایب، جمع مؤنث غایب.

به این ترتیب ۱۴ صیغه عربی داریم که ساختار آنها به شرح زیر است: ۳ صیغه مذکر و ۳ صیغه مؤنث. (البته در متکلم، مجموعاً

حتماً باید و قطعاً یک فعل را در زمان ماضی و در زمان مضارع بر اساس صیغه‌های ۱۴ گانه و البته معادل فارسی آن که به صورت اول شخص و دوم شخص و هست را حفظ کنید.

در جدول زیر این کار به عنوان نمونه برای شما انجام شده است. (نمونه‌های دیگری از این جدول را می‌توانید در کتاب درسی یا منبع معرفی شده، ببینید)

محتوای جدول زیر یا معادل آن را در کتاب درسی و منبع تستی خود کاملاً مسلط شوید!!!!

جدول شماره ۴ . معادل‌های اشخاص در عربی و فارسی									
اسم شخص در فارسی	سوم شخص مفرد	سوم شخص جمع	دوم شخص مفرد	دوم شخص جمع	اول شخص مفرد	اول شخص جمع			
شخص فارسی	او	ایشان، آن‌ها	تو	شما	من	ما			
اسم شخص به عربی	مفرد مؤنث غایب مفرد مؤنث مخاطب	مثنی مؤنث غایب مثنی مؤنث مخاطب جمع مؤنث غایب جمع مؤنث مخاطب	مفرد مذکر غایب مفرد مذکر مخاطب	مثنی مذکر غایب مثنی مذکر مخاطب جمع مذکر غایب جمع مذکر مخاطب	مفرد مؤنث غایب مفرد مؤنث مخاطب	مثنی مؤنث غایب مثنی مؤنث مخاطب جمع مؤنث غایب جمع مؤنث مخاطب	متکلم مع الغیر		



## فعل از نظر ساختار

همان‌طور که گفتیم فعل از نظر زمان دارای دسته‌بندی است. اما از نظر ساختار نیز دارای دسته‌بندی دیگری است.

- نحوه ساختن فعل

گاهی تغییراتی در فعل ایجاد می‌کنیم و به ساختار دیگری می‌رسیم. اولین ساختار برای پایه فعل، زمان ماضی یا گذشته آن است که با تغییراتی تبدیل به مضارع می‌شود (هر فعل مضارعی در ابتدای خود یکی از این چهار حرف را باید داشته باشد) ا. ت. ی. ن (که به آن‌ها حروف مضارعه گفته می‌شود). فعل مضارع را با اعمال تغییراتی، تبدیل به امر می‌کنیم یا تبدیل به مستقبل می‌سازیم.

## فعل مستقبل

زمان مستقبل یا همان آینده در دستور زبان فارسی با نشانه «خواه» + شناسه‌های شش‌گانه «م.ی.د.یم.ید.ند» ساخته شده و در عربی از آوردن حرف (سـ) یا (سوف) قبل از فعل مضارع ساخته می‌شود. مانند: بذهبون: می‌روند، سیدهبون: خواهند رفت / سوف بذهبون: خواهند رفت.

روش تبدیل آینده مثبت به منفی را در کتاب یازدهم خواهید خواند.

## انواع مضارع

در زبان فارسی و عربی مضارع (زمان حال) به چند صورت است: ساده مثبت و منفی، التزامی و

خبری.

- مضارع مثبت و منفی

مضارع ساده یا مثبت به شکل ساده و بدون پسوند یا پیشوند فعل مضارع گفته می‌شود. مانند: بذهبون: می‌روند. به ترجمه این فعل در فارسی دقت کنید تا مبدا با ماضی استمراری (که بزودی خواهید خواند، اشتباه بگیرید).

اما مضارع منفی: این فعل برگرفته از فعل مضارع ساده و با اضافه کردن حرف (لا) نفی به قبل از فعل مضارع ساخته می‌شود و هیچ تغییری در ظاهر فعل اتفاق نمی‌افتد بلکه فقط معنای آن تغییر می‌کند.

مانند بذهبون: می‌روند / لا بذهبون: نمی

روند.

- مضارع التزامی

## انواع ماضی

در زبان فارسی و عربی زمان ماضی (گذشته) به چند صورت است: ساده مثبت و منفی، استمراری، نقلی، بعید

- ماضی مثبت و منفی



○ در چهار صیغه دیگر حتماً باید حرف (ن) در انتهای فعل داشته باشید و آن را حذف کنید. مانند: تذهبون: ذهبو / تذهبین: ذهبی

این دو مرحله برای ساختن تمام فعل‌های امر، مشترک و ضروری است اما مراحل بعدی براساس نیاز است و ممکن است لازم نباشد.

- اما چه زمانی تغییرات مرحله بعد لازم می‌شود؟

اگر پس از حذف حرف مضارعه در مرحله اول، کلمه به دست آمده با ساکن شروع شود؛ تغییرات مرحله سوم را هم انجام می‌دهیم؛ اگر بعد از حذف حرف مضارعه، اولین حرف دارای حرکت بود، کار ما برای ساختن فعل امر در آن مورد تمام شده است.

مانند: تَذْهَبُونَ (که بعد از حذف ت) حرف ذ (ساکن است پس تغییرات مرحله سوم را که در ادامه گفته‌ایم، شامل می‌شود اما نُقَاتِلُونَ (که بعد از حذف ت) حرف ق (ساکن نیست و نیاز به تغییرات بعدی ندارد).

### تغییرات مرحله سوم:

تغییراتی که در ابتدای فعل‌های ابتدا به ساکن انجام می‌دهیم:

۱. همزه‌ای را به آن اضافه می‌کنیم و آن را همزه امر می‌نامیم.

۲. همزه امر را باید حرکت‌گذاری کنیم. معیار حرکت‌گذاری همزه امر، حرکت حرف دوم ریشه فعل است::

اگر حرف دوم یا وسط ریشه فعل، فته یا کسره باشد، حرکت همزه امر کسره است و اگر حرکت حرف وسط ریشه فعل ضمه باشد حرکت همزه امر نیز ضمه خواهد بود.

مانند: تذهب: إِذْهَبْ / تشکرون: أَشْكُرْ

## صفت و مضاف‌الیه: خیلی مهم!

در زبان عربی هرگاه دو اسم کنار هم دیگر قرار بگیرند، می‌توانند تشکیل‌دهنده رابطه موصوف و صفت یا مضاف‌الیه و مضاف بدهند.<sup>۴</sup>

خیلی باید در مورد این ساختار مسلط باشید چرا که این قواعد تا پایان در بسیاری موارد برای شما کاربرد خواهد داشت.

- رابطه وصفی

رابطه وصفی برای توصیف یا بیان ویژگی در موصوف است. در این رابطه، اسم دوم توصیف‌کننده اسم اول است. اسم اول را موصوف و اسم دوم را صفت می‌گویند.

مانند: الصدیق الوفی: دوست وفادار. دوست (الصدیق): موصوف / وفادار (الوفی): صفت

- ویژگی‌های رابطه وصفی:

۱. موصوف و صفت باید از نظر جنسیت و تعداد با هم دیگر مطابقت داشته باشد. (یکی دیگر از کاربردهای جنسیت و تعداد)

۲. هر دو یا باید تنوین داشته باشد یا دارای ال (باشند). البته موضوع تنوین و ال (را به همراه حرکت بعدها کامل‌تر خواهید خواند).

- روش تشخیص موصوف و صفت

<sup>۳</sup> همیشه قبل از حذف الف، حرکت فته داریم و قبل از حذف ی (حرکت کسره و قبل از حذف و) حرکت ضمه داریم.

<sup>۴</sup> البته می‌توانند خارج از این دو رابطه هم باشند که در ادامه خواهید خواند.

چگونه تشخیص بدهیم دو کلمه که اسم هستند در کنار همدیگر رابطه وصفی دارند یا خیر؟

○ اگر در ترجمه آن‌ها از قید (خیلی، زیاد، کمی و

) در وسطشان استفاده کردیم و رابطه معناداری به دست آمد. مانند الصديق الساعي: دوست

کوشا دوست خیلی کوشا.

○ روش دیگر این است که در انتهای آن دو کلمه، از فعل ربطی استفاده کنیم (مانند است). برای مثال: دوست، کوشا است.

- ویژگی‌های رابطه اضافی

در رابطه اضافی شرایط زیر وجود دارد:

۱. اسم اول مضاف و اسم دوم مضاف‌الیه است.

۲. مضاف هرگز تنوین و (ال) نمی‌گیرد

۳. مضاف‌الیه همیشه حرکت کس

بهمی‌گیرد

- روش تشخیص مضاف‌الیه و مضاف

○ در ترجمه مضاف‌الیه و مضاف، اگر قید بیاوریم یا در انتها فعل ربطی ذکر کنیم معنا ندهد، ترکیب اضافی است.

مانند: تلميذ المدرسة: دانش‌آموز خیلی مدرسه / دانش‌آموز، مدرسه

است

◆ نکته ترکیبی: هنگامی که در جمله برای کلمات نقش پیدا می‌کنیم، صفت و مضاف‌الیه را نقش کلمه حساب می‌کنیم اما مضاف و موصوف را جزء نقش نمی‌دانیم و برای این کلمات نقشه‌های دیگری را باید پیدا کنیم که در ادامه مثال می‌بینید:

جاء معلم المدرسة معلم المدرسة ترکیب اضافی است (پس معلم مضاف است و) المدرسة مضاف‌الیه است. اما نقش اصلی (معلم) در این جمله،

فاعل است. - ترتیب قرارگیری ترکیب اضافی و وصفی

ترکیب اضافی و وصفی در فارسی و عربی به شکل‌های مختلف باهم دیگر قرار می‌گیرند.

ترتیب این دو ترکیب (اضافی و وصفی) در فارسی به شکل زیر است:

وصوف + صفت + مضاف‌الیه مانند: ماشین زیبای  
فاطمه

اما ترتیب این چیدمان در عربی به شکل زیر است:

موصوف + مضاف‌الیه + صفت. مانند: تلميذ المدرسة الناجح: نش آموز موفق مدرسه.

ملاحظه می‌کنید که کلمه (المدرسة) در ساختار عربی در وسط قرار گرفته اما در ترجمه فارسی به انتها



بخش کمی از این نکات که درباره رابطه اضافی . وصفی ذکر شد، مربوط به درس ششم بود.

### نکات ترجمه مربوط به قواعد پایه‌های هفتم و هشتم و نهم

نکاتی که در ادامه ذکر شده‌اند، کاربردی و مهم هستند. آن‌ها را به خاطر بسپارید:

۱. اگر پس از اسم‌های اشاره، اسمی بیاید که دارای ال (است، ترجمه آن‌ها به صورت رابطه اضافی است. مانند:

ذَلِكِ الْجُنْدِيُّ: آن سرباز

۲. اما اگر پس از اسم اشاره، اسمی بیاید که ال (ندارد، ترجمه آن‌ها به شکل رابطه اسنادی<sup>۰</sup> است و جمله کاملی را تشکیل می‌دهند.

مانند: ذَلِكِ جُنْدِيٌّ: آن، یک سرباز است.

۳. اگر اسم اشاره جمع یا مثنی بر سر اسم دارای ال (بیاید، ترجمه اسم اشاره به صورت مفرد است اگرچه اسم پس از آن مفرد نیست!

مانند: هَذَانِ الْجُنْدِيَانِ: این دو سرباز / اولئك الرجال: آن مردان

۴. اگر اسم اشاره جمع یا مثنی بر سر اسمی بیاید که ال (ندارد، اسم اشاره به صورت جمع ترجمه می‌شود.

مانند: هَذَانِ جُنْدِيَانِ شَجَاعَانِ: این‌ها دو سرباز شجاع هستند / اولئك رجالٌ عالمون: آن‌ها مردانی شجاع هستند.

این چهار نکته را خوب ببینید؛ خیلی مهم هستند!!!

۵. ترجمه کلمات پرسشی:

کلمه پرسشی	هل. أ	مَنْ	مَا	مَاذَا	لِمَاذَا	لِمَنْ	أَيْنَ	كَيْفَ	كَمْ
ترجمه فارسی	آیا	چه کسی	چه چیزی	چه	برای چه	برای چه کسی	کجا	چگونه	چقدر

۶. مفهوم اجبار در جمله یا معادل (باید) در فارسی را به چند شکل در عربی می‌توان ترجمه کرد:

۱) لَمْ يَمْضِرْ اسْمَ مَجْبُورٍ. مانند: لَمْ يَمْضِرْ اسْمَ مَجْبُورٍ ... بر او واجب است، بر او لازم است ...

۲) فَعَلَ «يَجِبُ» + عَلِيٌّ + ضَمِيرٌ مَجْبُورٌ: يجب عليه: بر او واجب است، بر او لازم است ... (صيغه فعل «يجب» همیشه بصورت «يجب» است و تنها ضمير همراه «علي» تغییر می‌کند: يجب عليه، يجب عليها، يجب لهما، يجب لهما، ...)

۷. ترجمه (كُلٌّ + اسم «ال» دار): همه + اسم جمع . مانند: كُلُّ التَّلَامِيذِ: همه دانش‌آموزان

۸. ترجمه (كُلٌّ + اسم بدون «ال»): هر + اسم مفرد. مانند: كل تلميذ: هر دانش‌آموزی.

۹) فصل‌های سال و رنگ‌ها از کلمات مهم هستند همچنین روزهای هفته. آن‌ها را در ادامه می‌بینید که حتماً باید حفظ کنید.

<sup>۰</sup> . رابطه اسنادی از افعال ربطی ساخته می‌شود: (است، بود، شد، گشت، گردید)

کلمه	الربيع	الصيف	الخريف	الشتاء	السبت	الأحد	الاثنين	الثلاثاء	الأربعاء	الخميس	الجمعه
ترجمه فارسی	بهار	تابستان	پاییز	زمستان	شنبه	یکشنبه	دوشنبه	سه شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه	جمعه

کلمه	ابيض	اخضر	اصفر	احمر	ازرق	اسود
ترجمه فارسی	سفید	سبز	زرد	قرمز	آبی	سیاه

۱۰) گاهی در ترجمه اسم‌های مثنی و جمع، به تعداد آن‌ها اشاره می‌شود: دو معلم، چند معلم،

## درس دوم عربی دهم: عدد و معدود، ساعت و چهار عمل ریاضی

### عدد و معدود

- تعریف عدد و معدود

عدد: برای نشان دادن تعداد یا ترتیب به کار می‌رود و معدود کسیا چیزی که شماره می‌شود و عدد برای آن ذکر می‌شود.

- انواع عدد

عدد در دستور زبان عربی دو نوع است: ۱) ترتیبی (۲) اصلی.

اعداد ترتیبی برای نشان دادن ترتیب قرار گرفتن معدود استفاده می‌شود و اعداد اصلی برای نشان دادن تعداد معدود کاربرد دارد.

اعداد در دسته‌بندی کلی‌تر به ۴ نوع تقسیم می‌شوند: ۱) مفرد ۲) مرکب ۳) معطوف ۴) عقود

۱) اعداد مفرد: اعدادی که از یک بخش تشکیل شدند و شامل ۱ تا ۱۰ می‌شود. (عدد ۱۰ در ریاضی دو رقمی است اما در نوشتار عربی به دلیل اینکه یک کلمه می‌باشد، مفرد به شمار می‌آید)

۲) در مقابل اعداد مفرد اعداد مرکب هستند که بیش از یک بخش دارند: ۱۱ تا ۹۹

۳) اعداد معطوف: زیرمجموعه اعداد مرکب هستند که در بین آن‌ها از حرف ربط (عطف) استفاده می‌شود: بیست و یک، سی و هفت، نود و نه،

۴) اعداد عقود: شامل اعدادی است که به شکل ۱۰ تا ۱۰ تا اضافه می‌شود: ۲۰، ۳۰، ۴۰، ۵۰، ۶۰، ۷۰، ۸۰، ۹۰

۵) عدد ۱۰۰ به دو صورت نوشته می‌شود: مئة / مائة

نامگذاری این اعداد در آزمون و کنکور مورد سوال نیست.<sup>6</sup>

اعداد شمارشی عقود (۲۰ تا ۹۰)		اعداد شمارشی مرکب (از ۱۱ تا ۱۹)			اعداد شمارشی اصلی (از ۱ تا ۱۰)		
عدد (مذکر و مؤنث)	شماره	عدد (مؤنث)	عدد (مذکر)	شماره	عدد (مؤنث)	عدد (مذکر)	شماره
از اعداد اصلی است	۱۰	إحدى عشر	أحد عشر	۱۱	واحدة	واحد	۱
عشرون / عشرين	۲۰	إثنا عشر / اثنتي عشر	إثنا عشر / اثني عشر	۱۲	إثنتان / اثنتين	إثنان / اثنتين	۲
ثلاثون / ثلاثين	۳۰	ثلاثة عشر	ثلاث عشر	۱۳	ثلاث	ثلاثة	۳
أربعون / أربعين	۴۰	أربعة عشر	أربع عشر	۱۴	أربع	أربعة	۴
خمسون / خمسين	۵۰	خمسة عشر	خمس عشر	۱۵	خمس	خمسة	۵
ستون / ستين	۶۰	سبعة عشر	سب عشر	۱۶	سب	سبعة	۶
سبعون / سبعين	۷۰	سبعة عشر	سبع عشر	۱۷	سبع	سبعة	۷
ثمانون / ثمانين	۸۰	ثمانية عشر	ثمان عشر	۱۸	ثمان	ثمانية	۸
تسعون / تسعين	۹۰	تسعة عشر	تسع عشر	۱۹	تسع	تسعة	۹
					عشر	عشرة	۱۰
					مئة (مائة)	مئة (مائة)	۱۰۰

هر دو نوع عدد را در جدول بالا به خاطر بسپارید و ترجمه آن‌ها را در عربی بدانید. در دو جدول زیر اعداد از یک تا دوازده به دو صورت ترتیبی و اصلی نشان داده شده‌اند که آن را باید حفظ کنید.

اعداد شمارشی اصلی (از ۱ تا ۱۰)		
شماره	عدد (مذکر)	عدد (مؤنث)
۱	واحد	واحدة
۲	إثنان / اثنتين	إثنتان / اثنتين
۳	ثلاثة	ثلاث
۴	أربعة	أربع
۵	خمسة	خمس
۶	سبعة	سب
۷	سبعة	سبع
۸	ثمانية	ثمان
۹	تسعة	تسع
۱۰	عشرة	عشر
۱۰۰	مئة (مائة)	مئة (مائة)

جدول شماره ۶ — اعداد ترتیبی					
اعداد ترتیبی از یازدهم تا بیستم			اعداد ترتیبی از یکم (اول) تا دهم		
شماره	عدد (مؤنث)	شماره	عدد (مؤنث)	عدد (مذکر)	شماره
یکم (اول)	الأول	یازدهم	الحادی عشر	عدد (مذکر)	عدد (مؤنث)
دوم	الثانی	دوازدهم	الثانی عشر	عدد (مذکر)	عدد (مؤنث)
سوم	الثالث	سیزدهم	الثالث عشر	عدد (مذکر)	عدد (مؤنث)
چهارم	الرابع	چهاردهم	الرابع عشر	عدد (مذکر)	عدد (مؤنث)
پنجم	الخامس	پانزدهم	الخامس عشر	عدد (مذکر)	عدد (مؤنث)
ششم	السادس	شانزدهم	السادس عشر	عدد (مذکر)	عدد (مؤنث)
هفتم	السابع	هفدهم	السابع عشر	عدد (مذکر)	عدد (مؤنث)
هشتم	الثامن	هجدهم	الثامن عشر	عدد (مذکر)	عدد (مؤنث)
نهم	التاسع	نوزدهم	التاسع عشر	عدد (مذکر)	عدد (مؤنث)
دهم	العاشر	بیستم	العشرون	عدد (مذکر)	عدد (مؤنث)

- بررسی جدول‌های اعداد:

۱) همه اعداد ترتیبی بر وزن کلمه فاعل هستند؛ به جز عدد اول (الاول).

۲) هیچ‌کدام از اعداد اصلی وزن خاصی ندارد به جز عدد ۱ (الواحد) که شبیه عدد ترتیبی است اما در واقع اصلیات.

- ترتیب قرار گرفتن عدد و معدود

در انواع اعداد، ترتیب نوشتن اعداد با معدودشان متفاوت است:

۱) در اعداد اصلی عربی ابتدا عدد می‌آید سپس معدود؛ مگر در عدد اصلیک و دو که ابتدا معدود می‌آید سپس عدد.

مانند: کتاب واحد؛ یک کتاب / کتابان اثنان: دو کتاب / ثلاثة كتب: سه کتاب

۲) در اعداد ترتیبی همیشه ابتدا معدود می‌آید سپس عدد.

مانند: الدرس الاول: درس اول / الصفحة السادسة: صفحه ششم

۳) برخلاف ریاضی و فارسی، در اعداد عربی بیشتر از ۱۰ ابتدا یکان می‌آید سپس دهگان.

مانند: ثلاث و عشرون: ۲۳ / اربع و ستين: ۶۴

۴) در اعداد سه رقمی عربی نیز ابتدا صدگان، سپس یکان و در آخر دهگان می‌آید.

مانند: ۱۴۵ مئة و خمس و اربعون / ۲۵۸: مئتين و ثمانی و خمسون.

- قواعد و شرایط معدود:

۱) در اعداد ترتیبی معدود با عدد خود از نظر حرکت و جنسیت یکسان است.

مانند: الكتابُ الأولُ / الصفحةُ الثالثةُ / الشجرةُ الرابعةُ

۲) در اعداد اصلی ۱ و ۲ و ۱۱ و ۱۲ نیز عدد و معدود در حرکت و جنسیت مثل هم هستند (موصوف و صفت)

مانند: الكتابُ الواحدُ / الشجرةُ الثانيةُ / أحد عشر كتاباً / اثنا عشرة تلميذة

۳) در عددهای ۳ تا ۱۰ معدود همیشه مضاف الیه و جمع است و حرکت آن نیز کسره است. جنسیت عدد با معدود در اعداد ۳ تا ۱۰ مخالف همدیگر است.

مانند: ثلاثة كتبٍ / اربع شجراتٍ

۴) در عددهای ۱۱ تا ۹۹ معدود مفرد و حرکت آن فتحه است. أحد عشر كتاباً / اربع عشرة شجرةً

## ساعت در زبان عربی

برای نشان دادن ساعت از قواعد و اصطلاحات داده شده در جدول زیر پیروی می‌کنیم. محتوای این جدول را خوب به خاطر بسپارید.

جدول شماره ۷ — ساعت‌ها			
اصطلاح	معنی	مثال	ترجمه
... إلّا...	... مانده به ...	الْحَادِيَةَ عَشْرَةَ إِلَّا عَشْرَ دَقَائِقَ	۱۰ دقیقه به ۱۱
تماماً	ساعت دقیقاً ...	الثَّانِيَةَ عَشْرَةَ تَمَاماً	دقیقاً ۱۲
... و نصفاً	... و نیم	الْخَامِسَةَ وَ النِّصْفَ.	پنج و نیم
... و رُبْعاً	... و ربع	الْسادِسَةَ وَ رُبْعاً.	۶ و ربع (پانزده دقیقه)
... و ... دَقِيْقَةً (دَقَائِقَ)	... و ... دقیقه	السَّابِعَةَ وَ عَشْرُونَ دَقِيْقَةً.	۷ و ۲۰ دقیقه

## چهار عمل ریاضی به زبان عربی

محتوای این جدول را خوب به خاطر بسپارید:

عربی	فارسی	ریاضی
ناقص	منهای	-
زائد	به‌اضافه	+
ضربُ فی (فی)	ضرب‌در (در)	×
تَقْسِيمُ عَلٰی (علی)	تقسیم بر (بر)	÷
یُسَاوِی	مساوی است با (برابر است با)	=
لا یُسَاوِی (مایساوی)	مساوی نیست با (برابر نیست با)	≠
... فی مِئَةٍ	... درصد	%

دقت کنید که مبحث چهار عمل اصلی در کنکورهای برگزارد هجده سؤال بوده و حداقل یک تست از آن طرح شده بود.

## ترجمه اعداد اصلی و ترتیبی

۱) در ترجمه عدد ترتیبی باید نشان دهیم که هدف از بیان عدد ترتیب معدود است. بنابراین در ترجمه از پسوندهای (م و) مین (استفاده می‌کنیم؛ البته به جز عدد الاول).

مانند: الصف الثالث: کلاس سوم یا سومین کلاس / الصف الاول: اولین کلاس. کلاس اول

۲) همان‌طور که می‌بینید اگر پسوند (مین) استفاده کنید، ابتدا عدد می‌آید و اگر پسوند (م) استفاده شد، ابتدا معدود می‌آید.

۳) در اعداد اصلی نیز به همان صورت ذکر شده در جدول‌های مربوطه و بدون اینکه از پسوند خاصی استفاده شود باید ترجمه کنیم.

مانند: ثلاثة رجال: این سه مرد

یادآوری کنیم (اول) برای عدد ترتیبی است و (واحد) عدد اصلی است.

# درس سوم و چهارم عربی دهم ثلاثی مجرد و مزید

(قواعد این دو درس درباره یک موضوع است بنابراین هر دو با هم تنظیم شد.)

## ثلاثی مزید و مجرد

در درس اول با انواع ساختارهای فعل آشنا شدید. در این درس ساختار جدیدی را خواهید شناخت بانام ثلاثی مزید و مجرد.

- تعریف ثلاثی

اگر حروف اصلیا ریشه فعل ۳ حرف باشد آن فعل را ثلاثی می‌نامیم.<sup>۷</sup> دقت کنید همان‌طور که در درس اول گفته شد در تشخیص ریشه باید حروف اضافه آن را برداریم. مانند: یستغفرون «غ ف ر»

- حرف اول ریشه هر فعلی را «فاء الفعل» می‌گویند. «غ» فاء الفعل «غفر»
- حرف دوم (وسط) ریشه هر فعلی را «عین الفعل» می‌گویند. «ف» فاء الفعل «غفر»
- حرف اول ریشه هر فعلی را «لام الفعل» می‌گویند. «ر» فاء الفعل «غفر»

- تعریف فعل مجرد

اگر فعل ثلاثی هنگام صرف در زمان ماضی برای (اولشخص غایب یعنی) مفرد مذکر غایب (تنها همان سه حرف اصلی و ریشه را ذکر کنیم، آن را ثلاثی مجرد می‌نامیم. مانند: نَشَرَ. جَهَدَ

- تعریف فعل مزید

اگر هنگام صرف فعل در زمان ماضی برای صیغه مفرد مذکر غایب، علاوه بر ریشه فعل از یک یا دو یا سه حرف اضافی دیگری همراه آن استفاده کنیم آن را ثلاثی مزید می‌گوییم؛ «ثلاثی» از این جهت که حروف ریشه آن ۳ حرف است و «مزید» از این جهت که به آن حرف یا حروف اضافه شده است. مانند: إنتشر. اجتهد. أستغفر

۷ در مقابل ثلاثی، فعل رباعی وجود دارد که نیاز به یادگیری آن ندارد.

- روش تشخیص ساختارهای ثلاثی مجرد و مزید

برای تشخیص مزید از مجرد، باید بر اساس وزن‌های بخصوص اقدام کنیم؛ زیرا برای ثلاثی مزید، وزن و قواعد مشخصی گفته شده است. وزن‌های ثلاثی مزید را در جدول می‌بینید. تمام جزئیات این دو جدول را به خاطر بسپارید:

مقایسه	مصدر	امر	مضارع	ماضی
دَهَبَ = رفت؛ أَذْهَبَ = برد	إِفْعَال	أَفْعِلْ	يُفْعِلُ	أَفْعَلَّ
	إِذْهَاب (بردن)	أَذْهَبْ (بِر)	يُذْهِبُ (می‌برد)	أَذْهَبَ (برد)
فَرَّخَ = شاد شد؛ فَرَّخَ = شاد کرد	تَفْعِيل	فَعِّلْ	يُفْعِلُ	فَعَّلَ
	تَفْرِيح (شادکردن)	فَرِّخْ (شاد کن)	يُفَرِّخُ (شاد می‌کند)	فَرَّخَ (شاد کرد)
كَتَبَ = نوشت؛ كَاتَبَ = نامه‌گاری کرد، با دیگری به هم نامه نوشتند؛ یعنی عمل نوشتن دوطرفه را انجام داد.	مُفَاعَلَة	فَاعِلْ	يُفَاعِلُ	فَاعَلَّ
	مَكَاتِبَة (نامه‌نگاری کردن)	كَاتِبْ (نامه‌نگاری کن)	يُكَاتِبُ (نامه‌نگاری می‌کند)	كَاتَبَ (نامه‌گاری کرد)
عَرَفَ = شناخت؛ تَعَارَفَ = با کسی هم‌دیگر را شناخت. یعنی یک عمل دوطرفه انجام گرفته است.	تَفَاعُل	تَفَاعَلْ	يَتَفَاعَلُ	تَفَاعَلَّ
	تَعَارُف (با هم آشنا شدن)	تَعَارَفْ (با ... آشنا شو)	يَتَعَارَفُ (با ... آشنا می‌شود)	تَعَارَفَ (با [کسی] آشنا شد)

مقایسه	مصدر (اسم باب)	امر	مضارع	ماضی
عَفَرَ = بخشید؛ اِسْتَعْفَرَ = بخشش خواست	اِسْتِفْعَال	اِسْتَفْعِلْ	يَسْتَفْعِلُ	اِسْتَفْعَلَّ
	اِسْتِغْفَار (بخشش خواستن)	اِسْتَعْفِرْ (بخشش بخواه)	يَسْتَعْفِرُ (بخشش می‌خواهد)	اِسْتَعْفَرَ (بخشش خواست)
جَمَعَ = جمع کرد؛ اِجْتَمَعَ = جمع شد	اِفْتِعَال	اِفْتَعِلْ	يَفْتَعِلُ	اِفْتَعَلَّ
	اِجْتِمَاع (جمع شدن)	اِجْتَمِعْ (جمع شو)	يَجْتَمِعُ (جمع می‌کند)	اِجْتَمَعَ (جمع شد)
فَتَحَ = باز کرد؛ اِنْفَتَحَ = باز شد	اِنْفِعَال	اِنْفَعِلْ	يَنْفَعِلُ	اِنْفَعَلَّ
	اِنْفِتَاح (بازشدن)	اِنْفَتِحْ (باز شو)	يَنْفَتِحُ (باز می‌شود)	اِنْفَتَحَ (باز شد)
جَمَعَ = جمع کرد؛ تَجَمَّعَ = جمع شد	تَفْعُل	تَفْعَلْ	يَتَفَعَّلُ	تَفَعَّلَ
	تَجَمُّع (جمع شدن)	تَجَمَّعْ (جمع شو)	يَتَجَمَّعُ (جمع می‌شود)	تَجَمَّعَ (جمع شد)

- نکات مربوط به جدول ثلاثی مزید

۱) باب: همانطور که مشاهده کردید ۸ وزن داریم که هر وزن دارای زمان‌های ماضی + مضارع + مصدر + امر است. مجموع این‌ها را باهم یک «می‌نامیم».

۲) در هر باب حرکت‌گذاری تک‌به‌تک تمام حروف مهم و تعیین‌کننده هستند.

۳) معیارینام‌گذاری هر باب، وزن مصدرآناست. به عنوان مثال می‌گوییم باب (مفاعلة) نه باب (فاعَل)! )

۴) معیار تعیین تعداد حروف زائده هر باب، زمان ماضی است نه مضارع یا مصدر و ظاهر فعل.

❖ این نکته در سؤالات تجزیه و ترکیب کنکور (حدافل ۲ تست: ۸ درصد) بسیار کاربردی است؛ یعنی نباید ظاهر فعل معیار باشد، بلکه مصدر فعل را پیدامی‌کنیم سپس بر اساس وزن ماضی آن باب، تعداد حروف زائد را به دست می‌آوریم.

مانند: تنتشرون: ظاهراً ۶ حرف است که در نگاه اول ۳ حرف اضافه دارد در حالی که چون از باب (افتعال) است و ماضی آن (افتعل) است، ۲ حرف زائد دارد.

۵) در تشخیص باب ثلاثی مزید باید ریشه فعل را بدانیم. چرا که احتمال اشتباه وجود دارد. مانند (انتشر) که شبیه (انفعال) است اما از باب (افتعال) است. یا فعل (انتقم) و (ابتسم) که هر دو از باب (افتعال) هستند.

۶) برای ساختن فعل امر برخلاف همه فعل‌های دیگر که همزه امر یا باید کسره بگیرد یا ضمه، در باب (افعال) همزه امر حرکت فتحه می‌گیرد. مانند: یُخْرِجُ: أخرج به عبارت دیگر هیچگاه همزه امر فتحه نمی‌گیرد، مگر در باب افعال.

۷) مهم‌ترین نکته پنهان این است که فعل‌های ثلاثی مزید مانند فعل‌های ثلاثی مجرد قابلیت صرف شدن در ۱۴ صیغه و در سه زمان ماضی مضارع مستقبل و ساختن ساختارهای امر نفی ماضی استمراری و سایر زمان‌ها را نیز دارند.

مانند: انتشرن / کانوا ينتشرون / كنتم تنتشرون /

۸) معنی فعل در ثلاثی مزید نسبت به فعل مجرد تفاوت دارد، اگرچه از یک ریشه هستند.

۹) معنی هر فعل در هر باب ثلاثی مزید، معنای متفاوتی نسبت به باب دیگر دارد. مثال‌های داده‌شده در جدول را یکبار دیگر با دقت مشاهده کنید.

## درس ۵ عربی دهم: انواع جمله و ارکان آن‌ها

در این درس با انواع جمله‌ها در زبان عربی و اجزای هر کدام آشنا می‌شوید.

جمله، عبارتی است که حاوی پیام یا پرسشی باشد. هر جمله در زبان عربی یا اسمیه است یا فعلیه<sup>۸</sup>.

### تعریف جمله اسمیه و فعلیه

اگر کلمه اول جمله، اسم باشد آن را جمله اسمیه می‌نامیم و اگر اولین کلمه جمله، فعل باشد آن را جمله فعلیه می‌نامیم. اجزاء تشکیل دهنده جمله اسمیه متفاوت از ارکان جمله فعلیه است.

- ارکان جمله اسمیه

در جمله اسمیه، مبتدا و خبر داریم و در جمله فعلیه، فعل و فاعل و احياناً مفعول داریم.

- روش تشخیص ارکان جمله اسمیه

گفتیم که جمله اسمیه، جمله‌ایست که با اسم شروع می‌شود. این اسم که آغازگر جمله اسمیه است مبتدای نام دارد؛ البته گاهی مبتدا می‌تواند ضمیر هم باشد<sup>۸</sup>.

مانند: اللّٰهُ یحبُّ التّوَّابینَ / هو یحب التّوَّابینَ

خبر کلمه‌ای است که تکمیل‌کننده معنای مبتدا و کل جمله قبل از خودش است.

جمله (حرفیه) نداریم.<sup>۸</sup>

گفتیم که ضمیر هم جزء اسم است<sup>۹</sup>



❖ نکته خیلی مهمم

دقت کنید که بین مبتدا و خبر می‌تواند یک یا چندین کلمه و حتی چند سطر فاصله باشد یا اینکه هیچ فاصله‌ای میانشان نباشد.

مانند: الرجل الذی کان فی یدیه کتاب و یمشی هدوءمعلما / هو عالم

- روش‌های تشخیص خبر

۱) بهترین راه تشخیص و پیدا کردن خبر این است که جمله را ترجمه کنیم و کلمه‌ای که معنای مبتدا را کامل کرد، خبر بدانیم. این کلمه می‌تواند یک اسم باشد یا یک فعل یا ترکیب یک جارو مجرور.

العلم مفید لنا / العلم یفیدنا / العلم فی الكتاب

۲) روش دیگری هم برای این تشخیص وجود دارد که هنگام تمرین و حل تست با آن آشنا می‌شوید. (روش دنده عقب!)

۳) یکی دیگر از راه‌های تشخیص ارکان مربوط به جمله حرکت‌گذاری آن‌هاست. مبتدا و خبر و فاعل هر سه حرکت مرفوع لازم دارند.

اما همیشه بهترین راه تشخیص، ترجمه جمله است.

❖ یادآوری و نکته ترکیبی مهم از درس اول:

اسم اشاره + اسم (ال) دار: اسم، نمی‌تواند نقش خبر داشته باشد. مانند: هواء الطلاب

اما اسم اشاره + اسم بدون (ال): اسم اشاره مبتدا و اسم پس از آن، نقش خبر دارد. مانند: هواء طلاب.

## فعل و فاعل

برای هر فعل، باید یک انجام‌دهنده وجود داشته باشد که آن را فاعل می‌نامیم. مانند رجعوا من المدرسة.

❖ نکته بسیار مهم: فعل در ابتدای جمله همیشه مفرد می‌آید؛ حتی اگر فاعل آن جمع باشد. تنها جنبه تطبیق فعل در این حالت با فاعلش، جنسیت آنهاست. مانند: ذهب التلاميذ الى صفوفهم. ذهب التلميذات الى صفوفهن

- انواع فاعل<sup>۱۰</sup>

فاعل به چند شکل می‌تواند در جمله ظاهر شود:

۱) فاعل از نوع ضمیر بارز: یعنی ضمیری که به فعل چسبیده است. رجعت من المدرسة.

۲) فاعل از نوع اسم ظاهر: رجع للطلاب من المدرسة

۳) فاعلی که دیده نمی‌شود و آن را مستتر می‌نامند. رجع من المدرسة. در جدول زیر انواع فاعل را ببینید:

این بحث در کتاب درسی نیست اما به طور غیرمستقیم، ضروری و کاربردی است.<sup>10</sup>

ضمیمه	شماره	معادل عربی در تست و سوالات		نوع فاعل در هر زمان		
		ماضی	مضارع	امر	مضارع	ماضی
هو	مفرد مذکر غائب	الغائب	اسم ظاهر بعد از آن یا ضمیر مستتر	اسم ظاهر بعد از آن یا ضمیر مستتر	اسم ظاهر بعد از آن یا ضمیر مستتر	اسم ظاهر بعد از آن یا ضمیر مستتر
	مثنای مذکر غائب	الغائبین	یذهبان	یذهبون	یذهب	یذهب
	جمع مذکر غائب	الغائبین	یذهبوا	یذهبون	یذهب	یذهب
	مفرد مؤنث غائب	الغائبة	اسم ظاهر بعد از آن یا ضمیر مستتر	اسم ظاهر بعد از آن یا ضمیر مستتر	اسم ظاهر بعد از آن یا ضمیر مستتر	اسم ظاهر بعد از آن یا ضمیر مستتر
	مثنای مؤنث غائب	الغائبتان	تذهبان	تذهبون	تذهب	تذهب
	جمع مؤنث غائب	الغائبات	یذهبن	یذهبن	یذهب	یذهب
أنت	مفرد مذکر مخاطب	المخاطب	همیشه ضمیر مستتر	همیشه ضمیر مستتر	ذهب	ذهب
أنتما	مثنای مذکر مخاطب	المخاطبین	تذهبان	تذهبون	ذهبتما	ذهبتما
	جمع مذکر مخاطب	المخاطبین	تذهبون	تذهبون	ذهبتم	ذهبتم
	مفرد مؤنث مخاطب	المخاطبة	تذهبین	تذهبین	ذهبتی	ذهبتی
	مثنای مؤنث مخاطب	المخاطبتان	تذهبان	تذهبان	ذهبتما	ذهبتما
	جمع مؤنث مخاطب	المخاطبات	تذهبن	تذهبن	ذهبتن	ذهبتن
أنا	متکلم وحده	المتکلم للوحدة	اسم ظاهر یا ضمیر مستتر	اسم ظاهر یا ضمیر مستتر	ذهب	ذهب
	متکلم مع الغير	المتکلم مع الغير	اسم ظاهر یا ضمیر مستتر	اسم ظاهر یا ضمیر مستتر	ذهبنا	ذهبنا

- روش تشخیص فاعل:

برای تشخیص فاعل، اولین نکته این است: فاعل بعد از فعل می‌آید، یعنی در میان کلمات قبل از فعل به دنبال فاعل نگردید.

دوم اینکه اگر فاعل اسم ظاهر مفرد یا جمع مؤنث سالم باشد، حرف آخر آن حرکت ضمه ( ُ ) یا تنوین ( ً ) است. مانند: يذهب المعلمُ . تذهب المعلماتُ.

سوم: اگر فاعل مثنی باشد، علامت آن «ان» است. مانند: يذهب المعلمانِ الى صفوف المدرسة

چهارم: اگر فاعل جمع مذکر سالم باشد، علامت آن «ون» است. مانند: يذهب المعلمونَ الى صفوف المدرسة.

اگرچه بهترین، سریعترین و مطمئنترین روش تشخیص فاعل (و سایر ارکان جمله) ترجمه است!

یادآوری مهم: فعل در ابتدای جمله همیشه مفرد است و تنها از نظر جنسیت با فاعل مطابقت دارد!

- ارکان و اجزای جمله فعلیه

گفتیم که جمله فعلیه، جمله‌ای است که اولین کلمه آن فعل باشد و در درس قبل خواندید که هر فعلی، حتماً به فاعل نیاز دارد؛ یعنی هیچ فعلی بدون فاعل (یا نایب فاعل) نیست. گاهی فعل، علاوه بر فاعل نیاز به مفعول هم دارند که آن را متعدی نامیدیم.

ضرب الله مثلاً للناس لعلهم يتقون. الله: فاعل / مثلاً: مفعول

- انواع مفعول

مفعول به دو شکل می‌آید:

۱) اسم. مانند: شاهدت فی الطريق طفلاً یبکی۲ (ضمیر. مانند: شاهدته فی الطريق یبکی

- روش‌های تشخیص

۱) ترجمه ۲) هرگاه این ضمیرها همراه با فعل دیده شوند حتماً مفعول هستند

ه هما هم ها هن ک کما کم ک کن ی نا. مانند: رأیتُه / رأیتک

❖ **نکته مهم:** ضمیر (نا) گاهی می‌تواند فاعل باشد و گاهی مفعول. روش تشخیص ضمیر(نا) فاعلی از مفعولی اینطور است:

۱) اگر همراه فعل لازم باشد حتماً فاعل است. مانند: ذهبنا

۲) اگر حرکت حرف قبل از آن ساکن باشد، حتماً فاعل است. مانند: قتلنا

احتیاط کنید! همیشه اینطور نیست:

ما يُعَلِّمُنَا مُدْرِسُنَا فِي الصَّفِّ نَسْتَفِدُّ مِنْهَا! (فاعل)

در این مثال، فعل «یعلّم» به دلیل مجزوم شدن، ساکن شده است نه به این دلیل که ضمیر «نا» ساکن است.

۳) اگر همراه فعل متعدی باشد می‌تواند فاعل یا مفعول باشد. مانند: رأینا: دیدیم (فاعل است). رأیتنا: ما را دیدی (مفعول است). نیاز به ترجمه جمله است!

۴) اگر حرکت قبل از آن، فتحه یا کسره یا ضمه باشد حتماً مفعول است. مانند: قتلنا

❖ توجه کنید ضمیرهایی که همراه فعل می‌آیند و نقش مفعول می‌گیرند اگر همراه اسم بیایند، نقش مضاف‌الیه خواهند داشت.

مانند: قتلنا ضمیر نقش فاعل دارد. قتلنا ضمیر نقش مفعول دارد نکاتاً ضمیر نقش مضاف‌الیه دارد.

❖ نکته ترکیبی: فاعل، مفعول، مبتدا و خبر می‌توانند دارای صفت و مضاف‌الیه باشند؛ یعنی فاعل می‌تواند صفت بگیرد و یا بعد از آن مضاف‌الیه باشد. همین‌طور مفعول و مبتدا و خبر. مانند: نصر المجاهدون القليلون / هو تلميذ نشيط في مدرستا الكبير.

## فعل لازم

گاهی فعل تنها و تنها نیاز به فاعل دارد که در این صورت آن را لازم می‌نامیم. به عبارت دیگر فعل لازم فعلی است که به مفعول نیاز ندارد (برخلاف نام‌گذاری آن).  
مانند نزل المطر من السماء

## فعل متعدی

در مقابل فعل لازم، افعال متعدی داریم. یعنی افعالی که علاوه بر فاعل، به مفعول هم برای تکمیل معنا نیازمند هستند. مانند ارسل الله الرُّسُلَ علينا.

البته گاهی بعضی از فعل‌ها هم هستند که نیاز به دو مفعول دارند. مانند أعطى الله الإنسان العقل. آن‌ها را افعال دومفعولی می‌گوییم.

- ❖ نکته ترکیبی: در باب‌های (انفعال، تفعّل، افتعال) می‌توان گفت همواره فعل لازم است و در باب‌های (افعال، تفعیل) و غالباً باب (استفعال) همواره فعل متعدی است. باب‌های دیگر در فعل‌های مختلف می‌تواند لازم یا متعدی باشند.
- ❖ بهترین روش تشخیص متعدی از لازم، ترجمه فعل است!

### نکات ترجمه باب‌های ثلاثی، لازم و متعدی

۱) در ترجمه فعل لازم و متعدی دقت کنیم که گاهی فعل‌های متعدی در ترجمه دارای نشانه مفعول در فارسی نیستند (نشانه مفعول در فارسی «را» است). یعنی گاهی حرف «را» در ترجمه قابل‌ذکر شدن نیست و به شکل حرف اضافه و متمم استفاده می‌شود.

مانند: رأیته: به او نگاه کردم (به‌جای آنکه بگوییم) او را نگاه کردم)

۲) هر فعل ثلاثی، وقتی مجرد است معنای خاص خود را دارد و با رفتن و تبدیلاًن به باب‌های ثلاثی مزید معنای تغییر می‌کند. مانند: ذهب: رفت اذهب (باب افعال): رُجُ دَهَب (باب تفعیل): طلاکاری کرد.

۳) هر یک از باب‌های ثلاثی مزید دارای هدف و معنای خصوصی است: باب (استفعال) (قابل استفاده برای درخواست کردن) (باب مفاعلة) (برای همکاری) (باب انفعال) (برای اثرپذیری) (باب افعال) و (تفعیل) برای تبدیل لازم به متعدی هستند.

## درس ۶ عربی دهم: معلوم و مجهول

### معلوم و مجهول

دسته‌بندی معلوم و مجهول برای فعل وجود دارد که شامل انواع جمله نیز می‌شود. در واقع فعل مجهول و فعل معلوم داریم که از آن‌ها، جمله معلوم و جمله مجهول ساخته می‌شود.

- تعریف فعل و جمله مجهول

فعل مجهول به فعلی گفته می‌شود که بر خلاف قاعده اصلی، فاعل آن مشخص نیست. (قاعده اصلی همانطور که قبلاً گفتیم این است که هر فعلی باید یک فاعل داشته باشد.)

توجه داشته باشید که ذکر نشدن فاعل، دلیل بر مشخص نبودن آن نیست؛ یعنی اگر فاعل از نوع مستتر باشد، نمی‌تواند دلیل برای مجهول بودن باشد. (در درس چهارم خواندید که فاعل تعدادی از فعل‌ها در ماضی و مضارع بصورت مستتر بودند)

- یادآوری: انواع فاعل: اسم ظاهر. ضمیر چسبیده به فعل (بارز) ضمیر مستتر

جمله مجهول: چنانچه جمله‌ای داشته باشیم که فعل آن مجهول باشد با تغییراتی که در ساختار جمله ایجاد می‌شود، جمله مجهول است.

### ویژگی‌های فعل مجهول

اولین و شاه‌کلید اصلی در شناخت فعل مجهول این است که بدانید فعل مجهول از فعل متعدی ساخته می‌شود و هیچ‌گاه از فعل لازم نمی‌توانیم فعل مجهول بسازیم.

- روش ساختن فعل مجهول

برای آنکه فعلی ماضی معلوم را تبدیل به مجهول کنیم، چند تغییر در حرکت‌گذاری آن ایجاد می‌کنیم:

۱) تغییر اول در حرکت حرف وسط ریشه فعل است که تبدیل به کسره می‌شود.

۲) تغییرات بعدی در تمام حروفی است که قبل از حرف وسط ریشه قرار دارد؛ در تمام این حروف که قبل از حرف وسط ریشه قرار دارد، حرکت تبدیل به ضمه ( ) می‌شود. مانند کَتَبَ = كُتِبَ / اِسْتَعْفَرَ: اُسْتُعْفِرَ.

❖ نکته یادآوری: از) دَهَبَ. جَهَدَ و ... ( نمی‌توانیم مجهول بسازیم چون لازم هستند.

- روش ساختن فعل مضارع مجهول

برای آن که فعل مضارع معلوم را تبدیل به مجهول کنیم، تنها در دو بخش از حرکت‌گذاری‌های فعل معلوم تغییر ایجاد می‌کنیم: در فعل مضارع مجهول تنها حرکت حرف وسط ریشه و حرف مضارعه تبدیل به ضمه می‌شود.

به عبارت دیگر حروفی که در بین حرف مضارع و حرف وسط ریشه قرار دارند، بدون تغییر باقی می‌مانند.

مانند: پُشَاهِدُونَ: پُشَاهَدُونَ) از آنجا که حرف مضارعه معلوم دارای حرکت ضمه بوده، نیاز به تغییر نداشت)

### جمله مجهول و نایب فاعل

برای آنکه یک جمله معلوم را تبدیل به جمله مجهول کنیم مراحل زیر را طی می‌کنیم:

۱) طبق آنچه گفته شد، فعل جمله را تبدیل به مجهول می‌کنیم.

۲) فاعل جمله اگر از نوع اسم ظاهر یا ضمیر چسبیده به فعل باشد، حذف می‌کنیم.

۳) مفعول جمله را پیدا می‌کنیم اما دیگر آن را مفعول نمی‌نامیم بلکه نام آن «نایب فاعل» خواهد بود.

۴) مهم‌ترین مرحله این است: تطبیق دادن صیغه فعل مجهول با جنسیت نایب فاعل.

مانند: کتب محمدٌ دروسه: کُتِبَتِ الدروسُ

### شیوه طرح سوال از این قواعد

در کنکور و آزمون‌های آزمایشی از شما روش ساختن فعل مجهول و جمله را نمی‌خواهد. بلکه روش طرح سوال از مبحث معلوم و مجهول این‌گونه است که جمله و فعل مجهول ساخته شده و تشخیص درستی و نادرستی فعل مجهول و جمله مجهول را می‌خواهد یا خواسته می‌شود که فعل و جمله مجهول را در بین گزینه‌ها پیدا کنید.

روش پاسخ‌دهی به هر تیپ را در جلسات آموزشی کلاس خواهید آموخت.

نوع دیگری از طرح سوال از این موضوع، تشخیص نوع نایب فاعل است؛ یعنی از ما می‌خواهد نایب فاعل را پیدا کنیم که از چه نوعی است.

### روش ترجمه فعل مجهول و جمله مجهول

در ترجمه فعل مجهول از این فرمول استفاده می‌کنیم: بُن ماضی+فعل (شد یا بن ماضی +) می‌شود)

البته این یک فرمول غالب و همیشگی نیست بلکه گاهی به صورت روان و ساده‌تر نیز می‌توان فعل مجهول را ترجمه کرد.

مانند: قُتِلَ: به قتل رسید / کشته شد.

در جمله مجهول نیز ساختار ترجمه به این شکل است: مفعول به عنوان فاعل و پس از آن فعل ترجمه می‌شود.

مانند: قُتِلَ الرَّجُلُ: آن مرد کشته شد.

دقت کنید که ممکن است (ماضی استمراری مجهول (یا) مضارع التزامی مجهول (یا) مضارع اخباری مجهول (هم داشته باشیم).

مانند: لا تظلمون و لا تظلمون: ظلم نکنید و مورد ظلم واقع نشوید

## درس ۷ عربی دهم: جارّ و مجرور؛ نون وقایه

تا قبل از این درس درباره فعل و اسم و تجزیه آن‌ها مطالبی را یاد گرفتید. این درس درباره حرف است.

### جارّ و مجرور

«جارّ و مجرور» یکی دیگر از ترکیب‌هایی است که از همراه شدن حرف و اسم ساخته می‌شود. «جارّ» به معنای «کشنده» و «مجرور» به معنای «کشیده شده» است. جارّ حرف است، یعنی حروف جرّ داریم، نه اسم جرّ یا فعل جرّ. مجرور، اسمی است که بعد از حرف جرّ یا همان جارّ می‌آید. مانند: فی المدرسة. الی البیت.

بنابراین:

۱) فعل مجرور نداریم.

۲) هیچ‌گاه حرف جرّ (جارّ) بر سر فعل نمی‌آید.

۳) حرف جرّ فقط بر سر اسم می‌آید.

یادآوری: ضمیر هم نوعی اسم محسوب می‌شود.

حرف جرّ معادل حروف اضافه در زبان فارسی هستند که قبل از متمم می‌آیند. مانند به خانه، از مدرسه.

هرگاه حروف جرّ قبل از اسم قرار بگیرند ساختار جارومجرور درست می‌شود.

حروف جرّ یا جاردر کتاب شما عبارتند از «من» «إلی» «علی» «من» «ب» «فی» «عن» «ک». جدول زیر را به خاطر بسپارید:

حروف جر و معنی آن‌ها			
حرف	معنی	مثال	ترجمه
مِنْ، مِنْ	از	جاءَ عليّ مِنَ المدرّسةِ	علی از مدرسه آمد.
فِي	در	تعلّمتُ مريمَ فِي المدرّسةِ	مریم در مدرسه یاد گرفت (درسی خواند).
إِلَى	به، به‌سوی، تا	أذهبُ إِلَى المدرّسةِ.	به (به‌سوی) مدرسه می‌روم.
عَلَى	روی، بر	الكتابُ عَلَى البِلصّةِ	کتاب روی میز است.
بِ	به، به‌وسیله، در، با	کتبتُ بِالقلمِ	با (به‌وسیله) قلم نوشتم.
لِ	برای، عالی، از آن، داشتن	الكتابُ لِي؟ لِمَ کتاب؟ لِمَاذا زُججتُ؟	کتاب مال من است؛ کتابی دارم؛ برای چه (چرا) برگزیدی؟
عَنْ	از، درباره	سألتُ عَنْ زَفيقِ عَنْ واجبِ اليومِ	از دوستم درباره تکلیف امروز سؤال کردم.
ك	مانند	تَوُيُّ قَلَمِي كَتَوِي قَلَمِكَ	رنگ قلم من مانند رنگ قلم توست.

- نکات مربوط به جدول حروف جر

- ۱) «مِنْ» غالباً معنای «از» می‌دهد که گاهی به معنای «برخی از» نیز می‌باشد
- ۲) هرگاه حرف «مِنْ» به همراه «ما» بیاید، حرف «ن» آن ادغام شده و «مَمَّا» به دست می‌آید. مانند: تَأْكُلُونَ مِمَّا تَرْتَوُونَ: می‌خورید از آنچه روزی داده می‌شوید.
- ۳) همانطور که در درس اول گفتیم ترکیب «عَلَى» با ضمیر، معنای «واجب است» و «لازم است» می‌دهد.
- ۴) معنای «علیک»: الف (بر تو لازم است ب) (تو باید ج) بر ضد تو
- ۵) «لِ» هم مفهوم «علت» دارد و هم «مالکیت»
- ۶) هرگاه حرف «عَنْ» به همراه «ما» بیاید، حرف «ن» آن ادغام شده و «عَمَّا» به دست می‌آید. مانند: يَخافونَ عَمَّا تَحِبُّونَ: آنها از چیزی که شما دوست دارید، می‌ترسند.

## نون وقایه

در درس‌های قبل با مفعول آشنا شدید. هرگاه مفعول ضمیر متصل «ی» باشد قبل از اینکه به فعل بچسبد، از حرف «ن» بین آن و فعل استفاده می‌شود که «نون وقایه» گفته می‌شود.

معنای نون وقایه و کاربرد آن «پیشگیری» است؛ پیشگیری از خواندن سخت کلمه. وقایه یعنی «مانع شدن، جلوگیری، پیشگیری» مانند: أخذ + ی = أخذی می‌شود «آخذنی».

البته در دو موقعیت دیگر نیز کاربرد دارد: «مِنْ، عَنْ + ضمیر ی متکلم»: عَنِّي، مَنِّي.

## درس ۸ عربی دهم و درس ۱ عربیاز دهم: جامد و مشتق

این دو درس درباره گروهی از اسم‌ها با نام جامد و مشتق است در کتاب درسی از این اصطلاح نام برده نشده است. از آنجایی که این دو درس در یک موضوع هستند آموزش آنرا با همدیگر تنظیم کردیم.

پیش‌نیاز این درس تسلط کامل بر مباحث ثلاثی مزید و مجرد در درس سه و چهار عربی دهم است.

### تعریف جامد و مشتق

- اسم جامد

اسم جامد به اسمی گفته می‌شود که نتوانیم برای آن ریشه و حروف اصلی مشخص کنیم. مانند: الشمس. القمر. الرجل

- اسم مشتق

مشتق به گروهی از اسم‌ها گفته می‌شود که دارای سه حرف اصلی باشد. مانند المَعْلَم (علم (المجهول (جهل)

- کدام اسم‌های مشتق و جامد هستند؟

در زبان عربی اغلب تعداد اسم‌های جامد است و البته قاعده مشخصی هم ندارند. بنابراین اسم‌های مشتق را می‌شناسیم که کمتر و مشخص هستند.

انواع اسم مشتق: اسم فاعل، اسم مفعول، اسم مکان و زمان، اسم تفضیل و اسم مبالغه.

## اسم فاعل

اسم فاعل یکی از انواع مشتق است که آن را می‌توانیم هم از فعل مجرد درست کنیم و هم از فعل مزید.

- اسم فاعل از فعل مجرد

اگر اسم فاعل از ریشه فعل مجرد ساخته شود سه حرف اصلی آن را بر وزن کلمه «فاعل» می‌بریم و کلمه را به صورت «صفت فاعلی» ترجمه می‌کنیم. مانند العالم، الجاهل، الناشر، الکاتب: دانا، نادان، نشر دهنده، نویسنده.

بنابراین هرگاه اسم بر وزن «فاعل» باشد، حتماً ریشه آن فعل مجرد بوده است و اگر در سوال و گزینه‌ها به هر نحوی مزید بودن آن اعلام شود، نادرست است.

**اینکه اسم فاعل از فعل مجرد را مزید اعلام کنند در سه سوال تجزیه و ترکیب بسیار کاربرد است.**

- اسم فاعل از فعل مزید

از آنجا که اسم فاعل از فعل مجرد داریم، پس می‌توان اسم فاعل از فعل مزید هم ساخت.

۱) برای این کار نیاز به دانستن باب و وزن مضارع فعل مزید داریم. پس باب و وزن مضارع را پیدا کنیم.

۲) حرف مضارعه را از آن حذف می‌کنیم.

۳) به جای حرف مضارعه محذوف، حرف «م» می‌گذاریم.

۴) حرکت ماقبل آخر کلمه به دست آمده را کسرهمی‌دهیم.

مانند: «تعلیم» يُعَلِّمُ المَعْلَم

## اسم مفعول

اسم مفعول نیز مانند اسم فاعل می‌تواند از فعل مجرد و فعل مزید ساخته شود. اگر بخواهیم اسم مفعول از فعل مجرد بسازیم ریشه فعل را یا همان سه حرف اصلی را بر وزن کلمه «مفعول» می‌بریم و اسم را به صورت صفت مفعولی ترجمه می‌کنیم. مانند المعلوم: دانسته‌شده، المجهول: شناخته نشده، المكتوب: نوشته شده.

اگر اسم مفعول از فعل مزید ساخته شود، همانرا حلقو اعدی را که در اسم فاعل گفتیم برای آن انجام می‌دهیم؛ تنها با این تفاوت که به جای حرکت کسره در مرحله چهارم، به آن حرکت فتحه می‌دهیم و البته در ترجمه نیز صفت مفعولی خواهد بود.

مانند: «اختیار» یختار (مُختار) برگزیده‌شده)

❖ نکته ترکیبی و مشترک اسم فاعل و مفعول

هر اسمی که با «م» شروع شود: ۱) یا اسم فاعل است از ثلاثی مزید ۲) یا اسم مفعول است از ثلاثی مزید ۳) مصدر باب «مفاعلة» است.

البته حالات دیگری هم می‌تواند به ندرت داشته باشد؛ اما این سه حالت بسیار رایج است. مثلاً جمع مکسر باشد. که شرایط خاصی دارد و در ادامه آن را توضیح داده‌ام.



## اسم مبالغه

نوع دیگری از مشتق‌ها اسم مبالغه است. اسم مبالغه بر وزن‌های «فَعَالٌ» «فَعَالَةٌ» است.

مانند: العَلَمَةُ: بسیار دانا. الغَفَّارُ: بسیار بخشنده.

اما این دو وزن همیشه برای اسم مبالغه استفاده نمی‌شود بلکه گاهی نشان دهنده «ابزار» یا «شغل» است. مانند النظارة: عینک. الفتاحة: کلید. السيارة: ماشین

- ترجمه اسم مبالغه

در ترجمه اسم مبالغه از قیدی استفاده می‌کنیم که نشان دهنده «اغراق» باشد. مانند «بسیار» و «خیلی».

البته نه در مورد اسم‌هایی که دلالت بر ابزار یا شغل دارد. الصَّبَّارُ: بسیار صبور، الغَفَّارُ: خیلی آمرزنده، الكَذَّابُ: خیلی دروغگو.

صورت سوال برای اسم مبالغه:

عَيْنٌ مَا فِيهِ «من يقوم بالعمل كثيراً»

## اسم تفضیل

نوع آخر مشتق، اسم تفضیل است که مفهوم برتریدارد و برای مقایسه استفاده می‌شود. هرگاه بخواهیم دو اسم را مقایسه کنیم، بر اساس جنسیت اسمی که برتر و معیار است اسم تفضیل را درست می‌کنیم.

- وزن‌های اسم تفضیل

اگر اسم برتر مذکر باشد اسم تفضیل بر وزن «إفْعَلٌ» و اگر مؤنث باشد بر وزن «فُعْلَى» برده می‌شود. مانند: هو أكبر منك: او پسر بزرگتر است، هي كُبرى منك: دختر بزرگتر

❖ نکته ۱) اگر هر دو طرف اسمی که مقایسه می‌کنیم مؤنث باشند، اسم تفضیل بر وزن «إفْعَلٌ» ساخته می‌شود.

مانند: فاطمة اصغر من مريم

❖ نکته ۲) اگر بعد از اسم تفضیل، حرف جر «من» بیاید، ترجمه آن به صورت «صفت برتر» خواهد بود. صفت برتر در فارسی: صفت + پسوند «تر».

مانند: الأسد أشجع من الذئب: شیر از گرگ شجاع‌تر است.

❖ نکته ۳) اگر بعد از اسم تفضیل، اسم بیاید (یعنی اسم تفضیل، مضاف شود و بعد از آن هم مضاف الیه باشد) ترجمه آن به صورت «صفت عالی» خواهد بود. صفت برتر در فارسی: صفت + پسوند «ترین»

مانند: الأسد أشجع الحيوانات: شیر شجاع‌ترین حیوان است.

❖ نکته ۴) این نکته بسیار بسیار مهم است و در مورد کلمه «الخَيْرُ» و «الشَّرُّ» می‌باشد.

«خیر» اگر به معنای «خیر و صلاح» «خوبی» «نیکی» و مترادف این‌ها باشد، اسم تفضیل نیست و غالباً در این حالت همراه با (ال) می‌آید.

مانند: الخیر فی ما وقع: خیر در آن چیزی است که اتفاق افتاد.

هرگاه کلمه «خیر» را همراه با (ال) دیدید احتمالاً اسم تفضیل نیست و به معنای نیکی و خوبی و ... است.

هروقت ترجمه «خیر» در جمله به صورت «بهتر» و «نیکوتر» باشد، اسم تفضیل است.

مانند: خیر الناس من آمن الناس منه: بهترین مردم کسی است که مردم از دست او در امان هستند.

❖ نکته ۵) قواعدی که در مورد «خیر» گفته شد، در مورد کلمه «شَرُّ» نیز وجود دارد.

❖ نکته ۶) اسم تفضیل در حالت جمع بر وزن «أفْعَالٌ» خواهد بود. مانند: أفضل: جمع أفضل. أكابر: جمع أكبر.

❖ نکته ۷) که مهمترین نکته در خصوص همه مشتق‌هاست:

هرگاه جمع مکسر در جمله وجود داشت، باید مفرد آن را پیدا کنیم. چنانچه مفرد آن یکی از مشتق‌ها بود، آن را مشتق بدانیم. به عبارت دیگر ظاهر کلمه را معیار مشتق و نوع آن نمی‌دانیم بلکه مفرد اسم، تعیین کننده جامد و مشتق است. به عنوان مثال: العالم لطلء فاضل

یکی از سوالات کنکور ۱۴۰۰ درباره اسم تفضیل:

۴- عین الخطأ عن المفهوم:

- (۱) الأغنی: من یغنی الآخرين أكثر.  
(۲) غنی: قرأ شعراً بصوت فرح أو حزين.  
(۳) أغنی (شخصاً): جعله غنیاً لا حاجة له.  
(۴) الغنی: ذو سعة من المال ولا یساعد الآخرين.

## اسم زمان و مکان

آخرین نوع اسم‌های مشتق که نشان دهنده زمان یا مکان بوده و بر سه وزن در جمله دیده می‌شوند: مَفْعَل، مَفْعَل، مَفْعَلَة: المعبد، المسجد، المدرسة. دقت داشته باشید زمان یا مکان در این وزن‌ها مشخص نشده است. بنابراین «المشرق» به معنای «زمان طلوع» و «مکان طلوع» است.

# درس ۲ عربی یازدهم: جمله شرطیه

در دستور زبان عربی مثل زبان‌های دیگر ساختار شرطی داریم.

کاربرد این اسلوب زمانی است که بخواهیم وقوع فعل یا انجام کاری را مشروط به انجام کاری دیگر کنیم.

مثل: إن تدرس حتى نهاية السنة الدراسية جيداً، فلأبد أن تنجح في الامتحان.

اگر تا پایان سال تحصیلی خوب درس بخوانی، حتماً در امتحان موفق می‌شوی:

## اجزاء جمله شرطیه عربی

این ساختار در زبان عربی از ارکان و اجزای زیر تشکیل شده:

ادوات شرط

فعل شرط + متعلقات و ملزومات آن

جواب شرط + متعلقات و ملزومات آن

بنابراین در مثالی که گفته شد: اگر خوب درس بخوانید، در آزمون موفق می‌شوید:

اگر: ادوات شرط / خوب درس بخوانید: فعل شرط / در آزمون موفق می‌شوید: جواب شرط / و سایر کلمات در جمله، جزء متعلقات و ملزومات هستند.

## پرکاربردترین ادوات شرط

مشهورترین ادوات شرط این کلمات هستند:

إن (حرف شرط) به معنای «اگر»

من (اسم شرط) به معنای «هرکس» یا «هر کسی که»

ما (اسم شرط) به معنای «هرچه» یا «هر چیزی که»



■ نکته مهم:

گاهی پس از تبدیل ضمه به ساکن در مضارع، فعل حرکت کسره می‌گیرد. در این شرایط همچنان فعل شرط است.<sup>۱۱</sup> این شرایط را زمانی می‌بینید که بعد از فعل مضارع، اسم (ال) دار بیاید.

مانند: إن تكتبِ الدرس تأخذِ الدرجة الممتازة

### تشخیصی ادات شرط با ادات مشابه

خوووب به این نکاتی که در ادامه گفتیم، دقت کنید و به خاطر بسپارید::

إن: ادات شرط/فقط بر سر فعل ماضی یا مضارع می‌آید. معنای «اگر» می‌دهد.

إنّ: حروف مشابهه بالفعل که هرگز بر سر فعل نمی‌آیند. معنای «قطعاً» می‌دهند.

أنّ: حروف مشابهه بالفعل که هرگز بر سر فعل نمی‌آیند. وسط جمله آمده و معنای «که» می‌دهد.

أن: ادات ناصبه (نصب کننده) و فقط بر سر فعل مضارع می‌آید. معنای «که» می‌دهد.

من: ادات شرط که فقط بر سر فعل ماضی یا مضارع می‌آید / معنای «هرکس» می‌دهد.

مَنْ: موصول یا حرف ربط که بین دو جمله می‌آید. معنای «کسی که» می‌دهد.

مَنْ: استفهام و به معنای «چه کسی».

مِمَّن: ترکیب «مِنْ حرف جر + مَنْ»

ما: ادات شرط که فقط بر سر فعل ماضی یا مضارع می‌آید. معنای «هرچه» می‌دهد.

ما: موصول یا حرف ربط. به معنای «چیزی که / که» می‌دهد.

ما: حرف نفی بر سر فعل ماضی فقط می‌آید و معنای فعل را منفی می‌کند.

ما: ادات استفهام. به معنای «چه چیزی».

ما: حرف کافه در حروف مشابهه بالفعل همراه «إنّ» معنای «فقط» دارد.

ما: در ساختار «ما مِنْ» به معنای «هیچ نیست» در واقع همان «ما نفی» است که بر سر حرف جر «مِنْ» می‌آید.

■ دو نکته مهم

گاهی دیده می‌شود که بعد از ادات شرط، فعل آمده و در ادامه نیز ظاهراً شرایط جمله جواب شرط وجود دارد. اما پس از ترجمه مشخص می‌شود که چنین نیست. پس حتماً ترجمه کنید (بخصوص در آزمون‌ها و کنکور سراسری!)

مثال: ما شاهدتُ فی المدرسة احداً فهو كذب فی كلامه: در مدرسه کسی را ندیدم پس او دروغ گفته است.

درواقع «ما» از نوع منفی است، نه شرط.

نکته دوم این که در ترجمه فعل و جواب شرط فریب ظاهر مضارع افعال ثلاثی مزید را نخورید. در برخی از باب‌ها که در درس سوم و چهارم پایه دهم گفتیم برخی از افعال حروف مضارعه دارند اما ماضی هستند.

<sup>۱۱</sup> به این کسره، کسره عارضی می‌گویند. قبلاً گفتیم که حرکت کسره برای اسم است. اما این استثناء در مورد فعل وجود دارد.<sup>۱۲</sup>

## درس ۳ عربی یازدهم : معرفه و نکره

### معرفه و نکره

تا اینجا درباره اسم و ویژگی‌های آن مطالبی را یاد گرفتید. در این درس جنبه دیگری از اسم بانام معرفه و نکره معرفی شده است.

قبل از هر چیز یادتان باشد که ما اسم معرفه و اسم نکره داریم، نه فعل!

تعریف اسم نکره و معرفه: اسمی است که برای گوینده یا شنونده ناآشنا باشد و در مقابل اسم معرفه برای گوینده و شنونده شناخته شده است.

مانند: التلمیذ: آن دانش‌آموز / ابوالفضل / تلمیذ: یک دانش‌آموز.

### انواع معرفه

دقت کنید که ما برای تشخیص معرفه و نکره باید به دنبال دلیل و علامت برای معرفه بودن باشیم؛ چنانچه در اسم وجود داشت، آن را معرفه می‌گوییم و درغیراین صورت نکره است. بنابراین علامت‌های معرفه داریم نه علامت‌های نکره!

علائم معرفه عبارت‌اند از: ۱) الف و لام در ابتدای اسم و ۲) شناخته شده بودن که به آن «عَلَم» گفته می‌شود.

تعریف عَلَم: هر اسم خاصی که بتوان برای شخص یا مکانی استفاده کرد آن را عَلَم می‌گویند. (اسم نوشته شده در شناسنامه یا روی تابلو!!)

پس به طور کلی دو نوع معرفه داریم: ۱) معرفه به الف و لام. مانند: الرجل. التلمیذ. ۲) معرفه به عَلَم. مانند: محمد، ابوالفضل.

### ترجمه معرفه و نکره

معرفه و نکره در زبان فارسی هم وجود دارد؛ بنابراین در ترجمه آن باید دقت کنید. در ترجمه اسم معرفه نباید از نشانه نکره استفاده کنیم و بالعکس.

نشانه‌های نکره در فارسی عبارت‌اند از «ی. یک. ای. بی» مانند «کتابی، یک کتاب. کتاب‌هایی، مدرسه‌ای»

البته همیشه اینطور نیست که حروف «ی» و «بی» نشان‌دهنده نکره بودن باشند.<sup>۱۳</sup>

هرگاه در جمله اسمی نکره بیاید و در ادامه از همان اسم استفاده شود، از آنجا که اسم دوبار تکرار شده به‌نوعی معرفه است. بنابراین در بار دوم، آن اسم معرفه به «ال» می‌شود. در این حالت ترجمه هر دو اسم متفاوت است. مانند:

شاهدت امرأة فی الشارع. باعت للمرأة بعض الخضر. زنی را در خیابان دیدم. لئن زن کمی سبزی خرید.

#### ❖ نکته ترکیبی

از آنجا که مبتدا و خبر را گفته‌ایم باید بدانید هرگاه خبر از نوع مفرد و نکره باشد در ترجمه آن لزومی به ترجمه به شکل نکره نیست. مانند: العلم مفید: دانش، مفید است (ص) دانش، سودمندی است (غ)

## درس ۴ عربی یازدهم : جمله وصفیه

قواعد این درس درباره جمله وصفیه و نحوه ترجمه آن است. موضوع آن به شکل جمله بعد از اسم نکره در کتاب درسی آمده، بنابراین لازم است تمام نکاتی که درباره اسم معرفه و نکره گفته شد را بدانید. پیش‌نیاز دیگر این درس، مبتدا و خبر یا همان انواع جمله در کتاب پایه دهم و همچنین ترکیب و تشخیص نقش کلمات در جمله است.

### جمله وصفیه

هرگاه در جمله، اسم نکره داشته باشیم که بعد از آن جمله (اسمیه یا فعلیه) قرار بگیرد که آن اسم نکره را توصیف کند، ساختار جمله وصفیه شکل گرفته است.

جمله وصفیه: جمله ای با یک اسم نکره + سایر ارکان و متعلقات جمله + جمله‌ای که اسم نکره را وصف کند.

چندمثال و تحلیل آن‌ها را ببینید:

- شاهدُنا سنجاباً فی الغابة یَقْفُرُ مِنْ شَجَرَةِ الْبَشَجَرَةِ : سنجابیرا در جنگل دیدیم که از درختیهدرختیمی پَرید.
- سنجاباً: اسم نکره است. موصوف است. جمله بعد از آن جمله وصفیه یا صفت و فی الغابة هم سایر ارکان جمله.
- إرضاءُ الناسِ غايةٌ لا تُدرَكُ: راضی‌ساختن مردم، هدفی است که به دست‌آوردنم‌شود.
- غایة: اسم نکره و موصوف است که جمله بعد از آن جمله وصفیه یا صفت است.

### جمع‌بندی انواع صفت در زبان عربی

به عبارت دیگر ما در زبان عربی دو نوع صفت داریم: ۱) صفت مفرد ۲) صفت جمله.

صفت مفرد همان بود که در درس اول پایه دهم یادگرفتید. اما از این جهت به آن صفت مفرد می‌گفتیم که کلمه‌ای که موصوف را شرح و وصف می‌داد، یک کلمه بود و آن یک کلمه می‌توانست مثنی، مفرد یا جمع باشد از نظر تعداد. اما از نظر تعداد کلمات، یک کلمه بود و یک رُکن داشت.

در این درس اما با ساختاری از وصف آشنا می‌شوید که شرح و وصف موصوف توسط چند کلمه انجام می‌گیرد که تشکیل‌دهنده یک جمله هستند. بنابراین آن را «صفت جمله» یا «جمله وصفیه» گفتیم.

بنابراین: هر موصوف می‌تواند به دو شکل صفت بگیرد: صفت مفرد و صفت جمله.

مانند: شاهدت رجلاً شجاعاً فی الشارع ینجو الناس من الموت.

### چند نکته مهم

- اسلوب «کاد + فعل مضارع» به معنای «نزدیک بود + مضارع التزامی» ترجمه می‌شود. مانند: کاد الطفل یخفق: نزدیک بود بچه حفه بشود (شود).
  - اسلوب «أخذ + فعل مضارع» به صورت «شروع کرد به + مصدر» یعنی فعل مضارع به صورت مصدر ترجمه می‌شود. مانند: أخذ المجاهد ینادی الناس: رزمنده شروع کرد به صدا زدن مردم (رزمنده شروع به صدا زدن مردم کرد)
  - مهمترین نکات در تشخیص جمله وصفیه و موصوف آن:
    - ۱) اسم نکره (که موصوف است) می‌تواند هر حرکت و اعرابی داشته باشد.
    - ۲) بین موصوف و جمله وصفیه ممکن است N کلمه فاصله باشد.
    - ۳) مهم است که بدانید جمله پس از اسم نکره برای توصیف اسم نکره آمده است یا مرتبط با سایر کلمات دیگر است؟ یعنی: گاهی جمله به گونه‌ای ساخته می‌شود که اسم نکره پس از آن جمله‌ای می‌آید اما رابطه اسم نکره با جمله پس از آن ارتباطی ندارد.
- لاتَقُلْ شیئاً حَتّٰی لا یعرف الناس خطأک: چیزی نگو تا که مردم اشتباهت را ندانند.
- جمله (حتّٰی لا یعرف الناس خطأک) کلمه (شیئاً) را توصیف نمی‌کند. بلکه برای تکمیل جمله است.

ع) بین اسم نکره و جمله پس از آن (که همان جمله وصفیه است) هیچ حرف ربطی نباید باشد؛ مانند: «و، ف، ثم». البته در ترجمه جمله وصفیه باید از حرف ربط «که» استفاده کنیم اما این حرف ربط نباید در جمله عربی وجود داشته باشد.

### ترجمه جمله وصفیه

اولین نکته مهم همانطور که گفتیم این است: باید بین جمله وصفیه و جمله‌ای که موصوف در آن قرار دارد، از حرف ربط «که» استفاده کنیم. دوم اینکه اگر قبل از اسم نکره، فعلی باشد و در جمله وصفیه نیز فعل دیگری قرار بگیرد، می‌توانند هر کدام در زمان‌های مختلفی ترجمه شوند:

- حالت ۱) فعل اول ماضی باشد و فعل دوم مضارع:

در این حالت، فعل اول به صورت ماضی ساده ترجمه می‌شود اما فعل مضارع معمولاً به شکل ماضی استمراری می‌آید.

دقت کنید که گفته شد (معمولاً) یعنی گاهی نیز می‌تواند به صورت مضارع ساده ترجمه شود.

شَاهِدْ تَطَالِبًا يَكْتُبُ مَارِيَا لَدَرْسِهَا صَفًّا: دانش آموزی را دیدم که تمرین‌های درس رادر کلاس می‌نوشت / می‌نویسد.

- حالت ۲) اگر هر دو فعل به صورت مضارع باشند:

در این شرایط فعل دوم به صورت مضارع التزامی یا مضارع اخباری ترجمه می‌شود.

أُحِطُّ طَالِبًا فِي الْمَدْرَسَةِ يَكْتُبُ مَارِيَا لَدَرْسِهَا صَفًّا: دنبال دانش‌آموزی در مدرسه می‌گردم که تمرین‌های درس را در کلاس بنویسد/ می‌نویسد.

- حالت ۳) اگر هر دو فعل ماضی باشند:

در چنین شرایطی فعل دوم به شکل ماضی ساده یا ماضی بعید ترجمه می‌شود.

اشْتَرَيْتَ الْيَوْمَ كِتَابًا بِأَيْتَهُ مِنْ قَبْلِ: امروز کتابی را خریدم که قبلاً آن را دیده بودم / دیدم

■ نکته مهم:

نکته کلی برای تمام ترجمه‌ها در ساختار جمله وصفیه این است که باید و حتماً بتوانید از حرف ربط (که) استفاده کنید. محل قرارگیری این حرف ربط پس از پایان جمله اول و قبل از شروع جمله دوم است که جمله وصفیه می‌باشد.

این حرف ربط الزامیست و ترجمه جمله وصفیه بدون آن ناقص است. درواقع این طور می‌توان گفت:

حرف ربط (که) در ترجمه جمله وصفیه برای تمام ساختارها و حالت‌های جمله وصفیه باید وجود داشته باشد وگرنه یا ساختار جمله وصفیه نداریم یا ترجمه نادرست است!

## درس ۵ عربی یازدهم: مضارع منصوب و ادات ناصبه

### فعل مضارع؛ ادات ناصبه و ترجمه آن

موضوع این درس در رابطه با فعل مضارع است.

گاهی قبل از فعل مضارع حروفی قرار می‌گیرند که معنا و ظاهر آن را تغییر می‌دهند. این حروف عبارتند از «أَنْ، كَيْ، لِكَيْ، حَتَّى، لَ» و به آن‌ها ادات ناصبه<sup>۱۴</sup> گفته می‌شود.

<sup>۱۴</sup> کلمه «ناصبه» اسم مشتق است، به معنی نصب کننده<sup>۱۴</sup>

## کارکرد ادات ناصبه

تغییراتی که این حروف در فعل مضارع ایجاد می‌کنند از دو جهت است: ۱) معنا و ترجمه. ۲) ظاهر و حرکت انتهای فعل مضارع. تمامی این حروف به جز «لن»، معنای فعل مضارع را تبدیل به مضارع التزامی می‌کنند و حرف «لن» ترجمه فعل را تبدیل به آینده منفی می‌سازد.

- معنی خود این حروف به جز «لن»: تا، تا اینکه، برای اینکه است اما «لن»: به معنای «هرگز»

از طرفی دیگر همگی آن‌ها در ایجاد تغییرات برای انتهای فعل یک کار را انجام می‌دهند و آن منصوب کردن فعل است.

أَنْ يَذْهَبَ: تا برود. لَنْ يَذْهَبَ: هرگز نخواهد رفت.

- منصوب کردن فعل به ۳ شکل می‌تواند صورت بگیرد:

۱) تبدیل حرکت ضمه به فتنحه در صیغه‌های مضارع مفرد مذکر غایب، مفرد مؤنث غایب، مفرد مذکر مخاطب و هر دو متکلم وحده + مع‌الغیر. یَذْهَبُ، تَذْهَبُ، إِذْهَبُ، نَذْهَبُ: یَذْهَبُ، تَذْهَبُ، إِذْهَبُ، نَذْهَبُ

۲) در سایر صیغه‌های فعل مضارع حرف «ن» از انتهای فعل حذف می‌شود. یَذْهَبُونَ: یَذْهَبُوا. تَذْهَبِينَ: تَذْهَبِي.

۳) در دو صیغه هیچ تغییری اتفاق نمی‌افتد: جمع‌های مؤنث غایب و مخاطب. یَذْهَبْنَ، تَذْهَبْنَ: یَذْهَبْنَ، تَذْهَبْنَ

**نکته خیلی مهم:** دقت داشته باشید که در دو صیغه جمع مؤنث مخاطب و غایب، بدون وجود ادات ناصبه هم، حرکت حرف آخر فتنحه است!

### ❖ نکته ترکیبی

- حرکت، معنا و کاربرد حرف «أَنْ» را با «إِنْ» و سایر حروف مشابه آن اشتباه نگیرید.

- تا اینجا چند نوع حرف «ل» یا همان «لام» داشته‌ایم:

۱) لام حرف جر که بر سر اسم فقط می‌آید (لام ادات ناصبه که در این درس با آن آشنا شدیم و فقط بر سر فعل مضارع می‌آید و به معنای «تا، تا اینکه، برای این‌که» می‌آید.

## درس ۶ عربی یازدهم: مضارع مجزوم و ادات جازمه

در درس‌های قبلی با ساختار جمله شرطی آشنا شدید که ادات شرط بر سر فعل مضارع می‌آیند و معنی و حرکت آن را تغییر می‌دهند. همین‌طور با ادات ناصبه آشنا شدید که فعل مضارع را منصوب می‌ساخت. در این درس نیز با سه حرف دیگر نیز آشنا می‌شوید که مانند ادات شرط و ناصبه، تغییراتی را در ظاهر و معنای فعل مضارع ایجاد می‌کنند. این ادات را ادات جازمه یا جزم کننده می‌نامند.

### ادات جازمه فعل مضارع

- لَمْ جازمه

اولین حرف از ادات جازمه «لَمْ» جازمه نام دارد. ویژگی‌ها و کارکرد آن به شکل زیر است:

۱) بر سر تمام صیغه‌های مضارع می‌تواند بیاید. ۲) ظاهر فعل را جزم می‌کند.<sup>۱۵</sup> ۳) معنی فعل مضارع را تبدیل به زمان ماضی منفی ساده یا ماضی نقلی منفی می‌سازد. به مثال‌های زیر دقت کنید:

درباره جزم در درس ادات شرط خواندید<sup>۱۵</sup>



لم یدهبأ: نرفته است؛ نرفت / لم تذهبو: نرفته‌اید؛ نرفتید

**نکته مهم:** «لم» را که ادات جازمه است و شناختید با «لِمَ» اشتباه نگیرید! «لِمَ» جزء ادات استفهام است که تغییری در کلمه بعد از خود ندارد، ضمن اینکه بر سر اسم، فعل و حرف می‌آید و البته که معنای متفاوتی هم دارد: «برای چه، چرا»

- لام امر

از دیگر ادات جازمه «لام» یا همان «ل» می‌باشد و آن را «لام جازمه» یا «لام امر» می‌گویند.

قبلاً در درس اول پایه دهم با ساختار فعل امر در صیغه‌های مخاطب آشنا شدید. لازم است بدانید که امر تنها برای مخاطب نیست بلکه در صیغه‌های غایب و متکلم نیز ساخته می‌شود.

برای ساخت امر در صیغه‌های غایب و متکلم از «لام امر» استفاده می‌کنیم. تأثیر حضور «لام امر» بر سر این صیغه‌ها در دو جنبه ترجمه و جزم شدن است.

مانند: ل + یدهبون لیدهبوا: باید بروند / ل + اذهب: لأذهب: باید بروم

- تمام قواعد مجزوم شدن در مورد فعل امر آن جاری است.

- خود حرف «لام امر» در این صیغه‌ها به شکل «باید» ترجمه می‌شود.

**نکته مهم:** دقت کنید که در صیغه‌های مخاطب به دلیل نداشتن «لام امر» نمی‌توانیم فعل را به صورت باید ترجمه کنیم.

**نکته بسیار مهم‌تر:** حرف «لام امر» به طور طبیعی و در حالت معمولی، حرکت کسره دارد اما اگر قبل از آن حروف «و، ف، ثم» بیاید حرکتش ساکن خواهد شد. مانند: فلیذهب، ولیذهب، ثم لیدهبوا

- لا نهی

این «لا» بر سر فعل مضارع می‌آید و با آن آشنا هستید که «لا نهی» گفته می‌شود. (درس اول پایه دهم). این «لا» نیز جزو ادات جازمه است.

«لا نهی» بر سر تمام صیغه‌های مضارع استفاده می‌شود. با این تفاوت که در صیغه‌های مخاطب به شکل امر منفی است اما در صیغه‌های غایب و متکلم «لا نهی» به شکل «نیاید» ترجمه شده و معنی فعل در زمان مضارع التزامی است به مثال‌ها توجه کنید:

یدهبون لیدهبوا: نیاید بروند (غایب) / لا + تذهبون (نروید) مخاطب / لا + نذهب (لانذهب: نیاید برویم).

❖ نکته ترکیبی

«لام امر» به معنای «باید» / «لا نهی» بر سر غایب و متکلم به معنای «نیاید» است.

### جمع بندی مهم

در این درس با انواع «لا» و «لام» آشنا شدید. به منظور جمع‌بندی مطالبی که تاکنون درباره این دو حرف خواندید، به نکته‌های زیر توجه کنید:

■ انواع لام:

۱) لام امر: بر سر صیغه‌های غایب و متکلم مضارع می‌آید / به معنای «باید» است / فعل را مجزوم می‌کند / حرکت کسره دارد مگر در شرایطی که ساکن است.

۲) لام جازه (حرف جرّ): فقط بر سر اسم می‌آید / البته ضمیر نیز شامل اسم است / معنای لام در این حالت (که بر سر اسم یا ضمیر می‌آید) بسیار متفاوت است:

- «برای» مانند: جئتُ الیک للزيارة: پیش تو آمدم برای دیدار.

- «از آن، مال» مانند: هذا الكتاب لأخی: این کتاب مالِ برادرم است.

- «داشتن»: لنا مدینة کبیرة: ما شهر بزرگی داریم.

**نکته مهم:** حرکت‌گذاری حرف «لام» بسیار می‌تواند سوژه سوالات ضبط حروف در آزمون و کنکور سراسری باشد. «لام جرّ» اگر بر سر ضمایر بیاید، همیشه حرکت فتحه دارد؛ مگر اینکه همراه ضمیر «ی» متکلم بیاید که کسره می‌گیرد.

إعراب «لام امر» قواعد دیگری دارد که قبل‌تر در همین درس به آن اشاره کردم.

■ یادآوری:

قبلاً گفتیم که کان + ل + ضمیر یا اسم: داشت / یکون + ل + ضمیر یا اسم: دارد.

۳) نوع دیگر لام که در ادات ناصبه با آن آشنا شدید، لام ناصبه است / بر سر فعل مضارع در تمام صیغه‌ها می‌آید / به معنای تا اینکه، برای اینکه است / فعل را منصوب می‌کند.

#### ❖ نکته ترکیبی

از آنجا که لام امر (لام جازمه) و لام ناصبه در بعضی صیغه‌ها به طور مشترک کاربرد دارند (صیغه‌های غایب و متکلم). در نتیجه تشخیص و تفکیک آن‌ها از هم دیگر تنها در صورتی امکان‌پذیر است که فعل در جمله دیده شود و جمله را معنا کنیم.

قلت للتلاميذ: ليذهيوا الي المختبر: به دانش‌آموزان گفتم: به آزمایشگاه بروید (امر)

قلت للتلاميذ: واصلوا الجهد ليصلوا الاهداف: به دانش‌آموزان گفتم: تلاش را ادامه بدهید تا به اهداف برسید. (ناصبه)

## درس ۷ عربی یازدهم: افعال ناقصه؛ کارکرد و ترجمه آن‌ها

در این درس با نوعی از فعل‌ها آشنا می‌شوید که آن را «افعال ناقصه» می‌گویند. قطعاً وقتی بعضی از فعل‌ها را ناقص می‌نامند در مقابل باید «افعال کامل» هم وجود داشته باشد.

بله؛ در مقابل «افعال ناقصه» در دستور زبان عربی، «افعال تامه» وجود دارد. به این ترتیب که بعضی از فعل‌ها که تعداد آن‌ها بسیار کم است، به دلیل اینکه از چند جهت با سایر افعال متفاوت هستند، آن‌ها را ناقص می‌نامند و در مقابل تمام فعل‌های دیگر را تام (به معنای کامل) می‌گویند. البته افعال ناقصه در صرف شدن به صورت ماضی و مضارع و امر با سایر فعل‌ها نیز تفاوت دارند.

افعال ناقصه که با آن آشنا می‌شوید ۴ فعل هستند: «كَانَ، أَصْبَحَ، صَارَ، لَيْسَ»

### کارکرد افعال ناقصه

هرگاه افعال ناقصه در جمله دیده شدند مانند یک فعل متعدی با آن برخورد کنید که باید فاعل داشته باشد و علاوه بر فاعل، برای تکمیل معنا نیاز به مفعول دارند.

از آنجا که اعراب فاعل مرفوع بوده و مفعول نیز منصوب است؛ با همان روش که فاعل را در جمله پیدا می‌کنید، فاعل افعال ناقصه را نیز پیدا کنید؛ اما نام آن را «اسم افعال ناقصه» بگذارید نه فاعل. این یکی دیگر از تفاوت‌های افعال ناقصه است که هرگز و نباید تحت هیچ شرایطی برای افعال ناقصه از اصطلاح «فاعل» استفاده شود.

پس از پیدا کردن اسم افعال ناقصه، به دنبال مفعول آن باشید که حتماً منصوب است با این تفاوت که تحت هیچ شرایطی آن را مفعول ننمایید بلکه به آن «خبر افعال ناقصه» بگویید. این یکی دیگر از تفاوت‌های افعال ناقصه است که هرگز مفعول نباید در مورد آن‌ها ذکر شود بلکه خبر افعال ناقصه درست است.

چند مثال ببینید:

- أليس الله بأحكم الحاكمين
- كان الله غفوراً رحيماً
- أصبح الجو ممطراً
- صار الطفل بعد سنوات شاباً

تمام افعال ناقصه در داشتن اسم و خبر، مشترک و یکسان هستند اما از نظر معنی متفاوت هستند.

#### ■ نکته خیلی مهم

همان‌طور که بین فعل و فاعل و مفعول آن می‌تواند کلمه فاصله باشد، میان اسم و خبر افعال ناقصه نیز این شرایط وجود دارد.

## ترجمه افعال ناقصه

- كَانَ

مشهورترین و پرکاربردترین افعال ناقص «كان» است. به طور کلی برای ترجمه «كان» به این نکته توجه کنید که آیا فعل اصلی جمله است یا فعل کمکی.

- اگر فعل اصلی جمله باشد (یعنی همراه فعل دیگری در جمله نیاید) و پس از آن حرف «ل» یا «عند» ذکر نشود، «كان» به معنای «بود» است. مثال: كانت في المدرسة تلميذة: در مدرسه، یک دانش‌آموز بود.

**نکته مهم** این است که اگر «كان» در مورد اسماء و صفات خداوند استفاده شود، به معنای «است» می‌باشد. همچنین در مواردی مانند قوانین طبیعت:

مثال: كان الله عليمًا: خداوند دانا است. كان الربيع جميلًا: بهار زیباست!

- اگر فعل اصلی جمله بود و پس از آن «ل» یا «عند» ذکر شود، به معنای «داشتن» است. مثل: كان عند الطالب اقلام ملونة: آن دانش‌آموز مدادهای رنگی داشت.
- اما اگر فعل کمکی جمله باشد (یعنی بعد از آن در جمله فعل یا افعال دیگری ببینید) و پس از آن فعل مضارع بیاید، تشکیل دهنده زمان «ماضی استمراری» است. مثال: كانت الأسعار تصعد يوماً بعد اليوم: قیمت‌ها روز به روز بالامی‌رفت.
- اگر پس از آن فعل ماضی بیاید ساختار ماضی بعید را در جمله درست می‌کند. مانند: عندما رجعت من السفر كانت الأسعار تصعد كل يوم: قیمت‌ها هر روز بالا رفته بود.

**نکته مهم:**

دقت داشته باشید که «كان» می‌تواند در هر ۱۴ صیغه ماضی، صیغه مضارع، مستقبل و ساختار امر درست

یکون، یکونان، یکونون، تکون

شود، كان، كانا، كانوا، كانت، كانتا، كن، كنن، كنن

■ جمعیندی معانی «كان»:»

اگر فعل اصلی باشد: ۱. بود ۲. است (همراه با صفات یا کلمه مبارکه «الله» (۳. همراه ل / عند: داشتن) دارد، داشت، خواهد داشت)

اگر فعل کمکی باشد: ۱. همراه ماضی: ماضی بعید ۲. همراه مضارع: ماضی

استمراری

- صا ر- اصْبَح

فعل ناقص دیگر «صار» نام دارد که به همراه «أصبح» به معنای «شد» می‌باشند.

مانند: أصبحت (صارت) درجاً تامةحان التلاميذ ممتازة نمرههائ دانش‌آموزان کلاس، خیلی خوب شد.

از این دو فعل ناقص ۱۴ صیغه ماضی مضارع و امر ساخته می‌شود.

**نکته مهم:**

ر» به معنای «گرداند» و فعل متعدی است برخلاف «صار» که لازم است و به معنای «شد» و «أصبح» نیز از افعال ناقصه در باب «إفعال» ثلاثی دقت کنید که

«صَيَّ

مزید

است.

- كَيْ س

۱. هرگز فاعل و مفعول نمی‌گیرند.

۲. همیشه لازم و معلوم هستند؛ همیشه همیشه همیشه! اما بدون فاعل.

کسی چی میدونه شاید این نکته طلایی توی کنکور شما اومد!

خسته نباشید و خدا قوت . . .

امیدوارم به خوبی از مطالب این منبع استفاده کرده باشید.

**هزینه‌های استفاده از این جزوه:**

۱) قول بدین نه تنها برای عربی، بلکه در مهمم درسهاتون نهایت تلاش ممکن را داشته باشید. ۲) جزوه را برسونید به دست کسی یا کسانی که بنظرتون بهش نیاز دارند. ۳) دعای خیر برای همه پدر و مادرها

موفق باشید و بمانید!

